

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۸ خرداد ۵۹ شماره ۵۸ تک شماره ۱۰ ریال

با پیام امام و سخنان رئیس جمهور

## خطوط اساسی کار مجلس

### تعیین شد

امام: باید رسیدگی به حال مستضعفین در رأس برنامه‌ها باشد  
کسانی که به شرق و با غرب گرایش دارند را منزوی کنید!

اعضاء شورای انقلاب و همچنین عده کثیری از خانواده‌های شهدا و معلولین انقلاب و بقیه در صفحه ۶

جلسه افتتاحیه اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران با شرکت اکثریت نسبی نمایندگان مجلس و بقیه در صفحه ۶



## اعلامیه مشترك احزاب و سازمانهای سیاسی جمهوری دمکراتیک خلق کره

نیروهای ارتش کره جنوبی با حملات وحشیانه خود از زمین و هوا به شهر قیام، گوانگ جو، یورش بردند و با گشتار صدها تن از مردم، سلطه شوم و سیاه خود را مجدداً بر این شهر برقرار ساختند. نیروهای نظامی هنگام ورود به شهر دستور داشتند هر کس را که مقابله میکنند از پای در آورند. رژیم سرسپرده کره جنوبی پس از تصرف شهر تبلیغات مشمئز کننده‌ای را که یادآور اعلامیه‌های حکومت نظامی رژیم فاشیستی شاه می‌باشد بر علیه جنبش مردم در گوانگ جو آغاز کردند. ولی این تهمت‌ها و افتراها در عزم مردم کره جنوبی در رسیدن به استقلال، آزادی و وحدت مجدد میهنشان خللی وارد نخواهد آورد. جنبش خلق کره در رویارویی قهرمانانه‌اش با رژیم فاشیستی وابسته به امپریالیسم آمریکا نیازمند پشتیبانی کلیه خلقها و نیروهای استقلال طلب جهان است. ما در زیر بخشهایی از اعلامیه مشترك ۱۹ حزب و سازمان سیاسی جمهوری دمکراتیک خلق کره (کره شمالی) را بعلت اهمیت سیاسی آن از نظر خوانندگان می‌گذارانیم.

بقیه در صفحه ۲

## نامه يك کارگر:

### هنوز چماق کارفرما و ماده ۳۳ بر سر کارگر فرود می آید

کارگران رنج دیده جامعه بر خورده‌ها ما بنظر من فقط ماده ۳۳ نیست که کارگران ما با آن دست بگیربانند. ماده ۳۳ و تبصره های بسیار دیگری نیز موجودند که جهت شناختن عمیقتر رنج و مشکلات ناشی از آن برای کارگران، باید حداقل در راهروهای عریض و طویل و اطاقهای متعدد وزارت بقیه در صفحه ۲

"علیرغم گذشتن یکسال و نیم از پیروزی انقلاب شکوهمند ما ن بدست مردم ایران بویژه رنجبران که نقشی اساسی در آن داشتند هنوز شاهدانیم که با رفقوانین ارتجاعی برگزیده زحمتکشان میهنمان سنگینی میکند. همانطور که با رهاوبارها در نشریه عزیز رنجبر و بیط‌سور عمده در مورد ماده ۳۳ ضدکاری که سد بزرگی است در مقابل

## تئوری سه جهان.

جهان سوم: نیروی اصلی مبارزه علیه سیادت طلبی دوا بر قدرت است

در صفحه ۴

نامه چندتن از کارگران کارخانه سپیمان نکا

در صفحه ۳

مصاحبه با گروه انقلابی خلقهای افغانستان

در صفحه ۴

## رهبری سازمان چریکها

### متحد رسمی

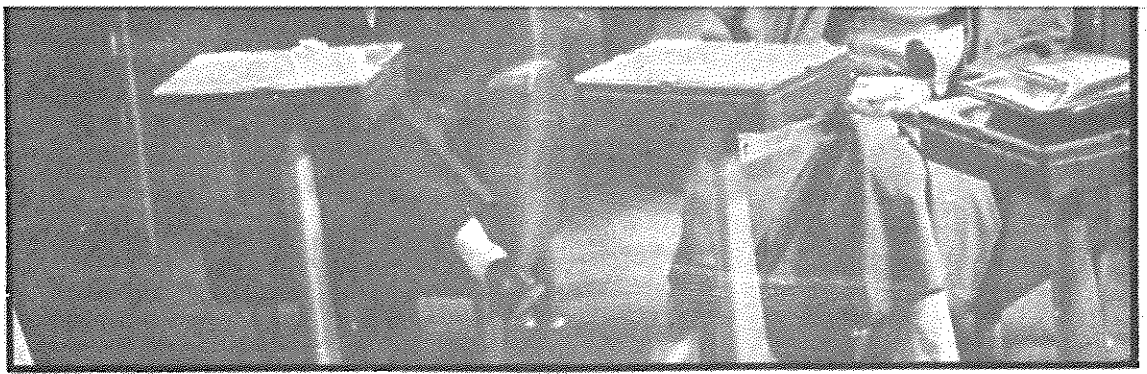
### سوسیال امپریالیسم

گاه خویش، عاقبت در آخرین شماره "کار" (۵۹)، آخرین مشی و مواضع خود را در انطباق با سیاست های امپریالیسم روسیه بیان میکند. ظاهر این مواضع بطور خلاصه چنین است:

الف- قبول عدم وابستگی

چریان فرو رفتن رهبری غاصب "سازمان چریکهای فدایی خلق" در منجلاب وابستگی به سوسیال امپریالیسم روسیه، هر روز ابعاد عمیق تری پیدا میکند. هم زمان با شدت یابی مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سلطه گرایی دوا بر قدرت در سطح ملی و صحنه جهانی، ورشد

سازمان مجاهدین مدارا با شرق به بهانه المیك



در حاشیه سفر هیئت بین الملل سوسیالیست به ایران

## ضرورت مناسبات صحیح بین جهان سوم و اروپا

آیند و با گسترده نمودن تا حد امکان این جبهه، دوا بر قدرت را از هر لحاظ به محاصره خود در آورند.

در سخنان آقای بنی صدر تمرکز بر روی روابط جهان سوم و اروپای مستقل، در مناسبات جاری بین المللی است. اقشاری از مردم اروپا که آقای بنی صدر بان اشاره میکنند، بقیه در صفحه ۵

قدرتها مقاومت بکنند. در صورتیکه همه شما و ما با هم باشیم میتوانیم بر ضد این ابر قدرتها بجنگیم. بنا بر این وجود یک اروپای مستقل یک امر مهمی است و میتواند با کشورهای مستقل نظیر ما همکاری داشته باشد. شما اگر نماینده چنین اروپای مستقلی باشید ما حضور شمار امتنم خواهیم نمود و ترجیح میدهم که با اروپای مستقل همکاری کنیم و هم همکاری آن را بپذیریم و شما نیز اصرار دارید معرف جریانی باشید که میخواهید با ابر قدرتها بجنگید و آنها سلطه‌های نداشته باشند... در صورتیکه شما با استواری استنادی کنید، جهان یک چهره دیگری پیدا میکند و از توطئه های آمریکا و روس جلوگیری خواهد کرد و احتمال موفقیت ما زیاد است.

در جریان ملاقاتهایی که هیئت بین الملل سوسیالیست، متشکل از کرایسکی صدراعظم اتریش، پالمه نخست وزیر اسبق سوئد و گونزالس دبیر کل حزب سوسیالیست اسپانیا، با شورای انقلاب و رئیس جمهور انجام دادند، آقای بنی صدر به نکات مهمی درباره روابط جهان سوم با اروپا اشاره کردند.

آقای رئیس جمهور در ملاقاتی با هیئت مزبور گفتند: "ما همیشه در مبارزه خود علیه ابر قدرتها متوجه همبستگی دنیای سوم با اقشاری از مردم اروپا که خواستار استقلال خود هستند بوده ایم. همیشه در اروپا طبقات مسلط تهدید کرده اند که لازمه حفظ ارتباط اروپا و دنیای سوم، دست اندر کار بودن گروههای وابسته به آمریکا است. ولیکن ما دیگر نمیتوانیم وابستگی به آمریکا را تحمل کنیم و نمیخواهیم وابستگی به روسیه را نیز جانشین وابستگی به آمریکا نمائیم و به این لحاظ، در صورتیکه در اروپا نیروهای رایباییم که میخواهند از طریق استقلال و تشریک مساعی با ملل دیگر گام بردارند برای ما دوستان خوبی خواهند بود. به نظر ما همکاری و مشارکت کشورهای دنیای سوم و نیروهای مترقی اروپا میتواند در طریق آرزویین بردن روحیه تخاصم و مقابله ابر قدرت ها موثر واقع شود."

آقای بنی صدر در ملاقات دیگری خطاب به هیئت بین الملل سوسیالیست خاطر نشان کردند: "ما علاقمندیم اروپا مستقل باشد و همه کشورهای جهان از زیر سلطه وسیطره ابر قدرتها بیرون بیایند. برای اینکه هر کنسوری بسره تنهایی نمیتواند در برابر این امر

جمهور راجع به روابط جهان سوم و اروپا از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر اصولی که بدان اشاره کرده رعایت شود و مبنای سیاست خارجی ایران قرار گیرد، تاثیر بسزایی در تکامل انقلاب ایران و همچنین تکامل اوضاع بین المللی بنفع مردم کو بیبدن سیطره و سیادت دوا بر قدرت از خود بجا خواهد گذاشت اگر دوا بر قدرت آمریکا و روسیه بزرگترین استثمارگران و تجاوز کاران تاریخند، مقابله با آنان نیز منوط به ایجاد جبهه وسیعی است که تمامی نیروهای مختلف بین المللی خواهان مبارزه با سلطه طلبی را، در خود جای دهد. در این مبارزه تاریخی هم سویی هم کوشی و اتحاد نیروهای ضد سلطه طلب ضروریست. در چنین جبهه های اصل بر آن است که تمام عوامل ضد سلطه طلبی ابر قدرتهای شرق و غرب گرد هم

نامه رسیده:  
**آیا ما به سوی سرمایه داری دولتی حرکت نمی کنیم؟**  
"در شماره ۲۵۷ روزنامه انقلاب اسلامی شنبه ۲۷ اردیبهشت ۵۹ مقاله ای از رئیس جمهور بنی صدر تحت عنوان "واقعیت های اقتصادی و رهنمودها" چاپ شده است که حاصل بحث درباره بودجه است. متاسفانه رهنمودهای اقتصادی که در این مقاله برای برنامه ریزی و عملکرد اقتصادی ما داده شده است هر کسی را که نگران حرکت زیربنایی انقلاب با شدت دچار اضطراب و ترس میسازد بقیه در صفحه ۲

صدهای درونی این سازمان مواضع راست رویونیستی فدائیان دائما شکل یافته تر و روسی تر میگردد. رهبری غاصب سازمان چریک ها، در پی مطالب شماره های اخیر نشریه "کار" در تعیین روسیه سوسیال امپریالیستی بعنوان تکیه

## در دانشگاه صنعتی شریف برگز ارشد

## بحث آزاد «وحدت» در محیطی

## دمکراتیک

بنا به دعوت و ابتکار "سازمان دانشجویان مسلمان" دانشگاه صنعتی شریف، روز دوشنبه ۵ خرداد جلسه بحث آزاد بر روی مسئله "وحدت" در این دانشگاه برگزار گردید. در اعلامیه ای که از طرف این سازمان انتشار یافته بود بدرستی بر روی وحدت خلق، تاکید بر روی قبول رهبری امام خمینی، اصل نه شرقی نه غربی، تقویت دولت و روشنگری در مورد مسئله وحدت، پافشاری شده بود. علیرغم اینکه دعوت از همه گروهها صورت گرفته بود اما تعدادی از گروههای چپ نما و انقلابی نمادر بحث جلسه شرکت نداشته و فقط نظاره گر گفتگوها بودند. در این بحث ها فقط نمایندگان سازمان دانشجویان مسلمان، انجمن ملی دانشجویان و دانشجویان و دانشجویان "دمکرات" شرکت داشتند.

در این جلسه، پس از گذشت دقایقی از بحثها، نماینده سازمان دانشجویان مسلمان "به تشریح مواضع این سازمان درباره وحدت پرداخت. وی در سخنان خود وحدت را همسو و هم جهت شدن، یعنی وحدت در مبداء و مقصد و برای ایجاد جامعه توحیدی توصیف کرد.

نماینده دانشجویان مسلمان در جواب به ترهات انقیاد طلبانه "دمکراتهای" طرفدار روس گفت: "اصولا سه نیرو وجود دارد، آمریکا، روس و اسلام. ما وحدت را صرفا بر مبنای منافع مشترک با روس علیه آمریکا و بالعکس آن قبول نداریم و اصولا این معیار را مطلقا سازشکارانه با این یا آن ابر قدرت میدانیم." سخنگو سپس انواع برخورد با نیروهای غیر اسلامی را مطرح ساخت و اظهار داشت که اساسا در برخورد با این نیروها باید سیاست عدم تعارض و یاریاری را در پیش گرفت.

۷۵ روز سه شنبه خود طی اطلاعیه ای خواستار شرکت ورزشکاران ایران در بازیهای المپیک مسکوشد. روشن است که این موضع گیری از احساسات ورزش دوستانه سازمان مجاهدین سرچشمه نگرفته بلکه دلایل کاملا سیاسی دارد.

در شرایطی که حتی با نند کیا نوری در حزب توده یعنی سرپرندگان امپریالیسم روسیه نیز نمیتوانند علنی و رسمی شرکت ایران در المپیک مسکو را درخواست کنند، سازمان مجاهدین تنها سازمان سیاسی ایران است که با ارائه مواضع و "دلایل" سیاسی، فواید رفتن به مسکو را تبلیغ کرده و تحریم المپیک را "امریکائی" و "ویر خلاف مصلحت" میدانند.

قبل از هر چیز باید پرسید که "مجاهد" از چه موضعی سخن می گوید. دوست چه کسی و دشمن کیست؟

همه میدانند که تحریم المپیک مسکو توسط ایران به منظور اعتراض به اشغال نظامی کشورها به ما افغانستان و به نشانه همبستگی جمهوری اسلامی با مبارزه خلق دلاور افغانستان صورت گرفته است. این موضع محقا نه وعا دلانهاست. "مجاهد" بجای اینکه از موضع خلق سرکوب شده افغانستان، از موضع ملتی که با جنگ و دندان به جنگ اشغالگران برخاسته و آرا ده کرده است تا مبین خود را آزاد کند، حرکت نماید، زیر پوشش مبارزه "ضد آمریکا" میخواهد کمک کند تا امپریالیستهای روسی نمایش تبلیغاتی خود را هر چه با شکوه تر برگزار کنند و از حضور ایران در خدمت پرده پوشی جنایات خود در افغانستان استفاده کنند.

"مجاهد" زیر پوشش اینکه آمریکا میخواهد از طریق تحریم المپیک برای کسب سود حقا نیت و مشروعبیتی کسب کند میخواهد ورزشکاران را تشویق به شرکت در المپیک روسی بکند. درست است که آمریکا در رقابت با روسیه برای بقیه در صفحه ۶

بنا به دعوت و ابتکار "سازمان دانشجویان مسلمان" دانشگاه صنعتی شریف، روز دوشنبه ۵ خرداد جلسه بحث آزاد بر روی مسئله "وحدت" در این دانشگاه برگزار گردید. در اعلامیه ای که از طرف این سازمان انتشار یافته بود بدرستی بر روی وحدت خلق، تاکید بر روی قبول رهبری امام خمینی، اصل نه شرقی نه غربی، تقویت دولت و روشنگری در مورد مسئله وحدت، پافشاری شده بود. علیرغم اینکه دعوت از همه گروهها صورت گرفته بود اما تعدادی از گروههای چپ نما و انقلابی نمادر بحث جلسه شرکت نداشته و فقط نظاره گر گفتگوها بودند. در این بحث ها فقط نمایندگان سازمان دانشجویان مسلمان، انجمن ملی دانشجویان و دانشجویان و دانشجویان "دمکرات" شرکت داشتند.

### شهادت سه مسلمان مبارز در گلوگاه (مازندران)

در روز شنبه ۳ خرداد سه نفر از افراد جها دسازندگی بنا مهای سید محمد صدری - محمد رضا اسماعیلی و لمراسکی که برای انجام کارهای جها دسازندگی از گلوگاه به ساری رفته بودند، در هنگام برگشت در اثر تصادف جان خود را از دست میدهند. این حادثه مردم گلوگاه را در غم و اندوه فروبرد و طی یک تشییع جنازه با شکوه و یادین شهدا را گرامی داشتند. حزب رنجبران ایران نیز این ضایعه دلخراش را به خانواده این شهدا تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه آنان و مردم گلوگاه شریک میداند.

حزب رنجبران ایران - بخش مازندران

### \* هنوز چماق

بقیه از صفحه ۱  
کا روسازمان بیمه های اجتماعی بود.

تعیین کرد. طی ده سال گذشته بارها خواهان افزایش آن بر اساس حداقل دستمزد کاری شده ام.

چند روز پیش نیز به شعبه مربوطه مراجعه کردم گفتند طبق قانون سازمان بیمه های اجتماعی چون از کار افتادگی جزئیست ما دام العمر همیسن مبلغ ۴۲۳ ریال پرداخت میگردد. روز بعد به شعبه وزارت کار در نزدیکی پیچ شمیران مراجعه کردم. آنچه که در یکی از اطاقهای آن کسودو خاتم میانسال مسئول بودند دیدم توهین و تحقیر بود و بداد کارگران نرسیدن ...

متاسفانه هنوز چماق کارفرما، ماده ۳۳ و دهها نوع از این قبیل ماده ها و بر سرستونهای انقلاب یعنی کارگران فرود میآید.

در یکی از شعبه های سازمان تامین اجتماعی که کارگری مراجعه کرده بود که با بت نقص عفش ۱۹ سال است که ماهی ۱۶۰ ریال میگیرد در پیش نویس قانون تاء میسن اجتماعی که مدت است به تصویب رسیده است در ماده ۹۶

بندیک آمده است "مستزیه های که کمتری معادل حداقل مزد کارگر عادی باشد تا میزان حداقل مزد جدید افزایش خواهد یافت." اما در مراجعه به سازمان مربوطه فهمیدم این ماده و بندهای مشابه فقط در مورد کارگرانیست که از کار افتادگی کلی داشته اند، سه، سه، مقابا، اعتداف.

من نیز یکی از کسانی هستم که در زیرستم اینگونه قوانین میباشم که پس از گذشت ۱۱ سال دویدن در راهها و از این اطاق به آن اطاق و ادا ره هیچ نتیجه مثبتی نگرفتم. هم چنین هزاران نفر از هموطنانم هم چنین دیگر که همگی گوشت و پوست و استخوانمان را در حوادث ناشی از کار در زیر چرخنده های کارخانه ها بجا گذاشته ایم و پس از سالها هنوز با ید برای گرفتن حقمان بعد از ذق الباب و اجازه ورود به اطاقها، حقمان را نخواهیم ... که تاکنون نتیجه ای هم نداشته چرا که کارفرماها، وزارت کار، سازمان بیمه های اجتماعی و ... از ما بهترانند. این نامه را بدین خاطر به نشریه رنجبر می نویسم زیرا که این نشریه و حزب را مدافع حقوق رنجبران و حزب پیشروان میدانم، شاید که فریاد ما گوش کسی برسد.

در اردیبهشت ۱۳۴۸ در کارخانه بعلت نبودن حفاظ دستم از پائین میج بزیار در دستگا فرزند رفت، مرا به بیمارستانی در نزدیکی کارخانه که در داخل شهر تهران بود بردند و عمل پیوند را انجام دادند اما برای پیوند عصب و ... مجددا باید تحت عمل جراحی قرار میگرفتم. در اسفند ۱۳۴۸، سه، سه، ستان.

### اعلامیه مشترك احزاب و سازمانهای سیاسی جمهوری دمکراتیک خلق کره

بار دیگر دانشجویان و دیگر قشرهای مردم کره جنوبی برای دست یابی به حقوق اجتماعی و سیاسی خود مبارزات گسترده ای را آغاز نموده اند. هیئت حاکمه فاشیست و دست نشانده امپریالیسم آمریکا برای سرکوب هر چه بیشتر خلق کره در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه حکومت نظامی را اعلام کرده با قوای نظامی سراسر کشور کره جنوبی را زیر سرنیزه باطاعت فرمان داده است.

از مدتها قبل ماهیت فاشیستی حکومت کره جنوبی برهنگان آشکار بوده است. حکومتی که بخواست نیروهای امپریالیسم آمریکا همواره توطئه های را در ایجاد تشنج بین دو کره و تفرقه بین ملت کره را دنبال نموده است، هدف اصلی این تفرقه افکنی ها حفظ منافع استعماری و استعماری امپریالیسم آمریکا میباشد و حکومت کره جنوبی با دنبال کردن این سیاست مردم کره جنوبی را به سیاستهای امپریالیسم آمریکا فروخته است و در هر زمان آنها را برای حفظ این سیاستها قربانی مینماید.

مردم کره جنوبی ماهیت حکومتهای فاشیستی را دانسته، برای آینده هیچگونه اطمینانی باین گونه حکومتها ندارند. دانشجویان، کارگران، و دیگر قشرهای کره جنوبی بر ضد دیکتاتوری فاشیست دست مبارزه زده، از این راه اعلام کرده اند که دیگر حاضر نیستند در زیر سلطه دست نشاندهگان بیگانه زندگی کنند.

دیگر زمان، نیرنگها، توطئه ها و تبلیغات دروغین بسر رسیده نیروی جبار و خونخوار امپریالیسم آمریکا با توپها و تانکهایش نمیتواند مانعی طولانی در مقابل پیروزی نهایی مردم کره جنوبی باشد. و جنگی نظام سردمداران حکومت فاشیستی کره جنوبی دیگر فقط نیروی محرکه قویتری برای ادامه مبارزات مردم کره جنوبی خواهد بود.

حکومت کره جنوبی در شرایط کنونی باید ببنیاد ملت پاسخ دهد و بداند که فقط بازگشت بسوی ملت است که میتواند ننگ و نفرت ابدی تاریخ را از آنان دور کند.

لغو قوای حکومت نظامی، آزاد کردن تمامی زندانیان سیاسی انجام فوری انتخابات دمکراتیک حداقل قدم هائیکست که باید برداشته شود. افسران و سربازان ارتش کره جنوبی نیز باید بدامان مام میهن بازگردند، اسلحه های خود را نه بسوی میهن پرستان آزادیخواه کره جنوبی، بلکه بسوی مزدوران بیگانه و اجنبی پرست فاشیست نشانه روند و بداند جانیاتکاران خونخوار هرگز پیروزی را بخود نخواهند دید.

از بین بردن حکومت فاشیستی با تمام ریشه ها و ظواهر آن و ایجاد دمکراسی واقعی نه تنها از خواسته های مردم کره جنوبی است بلکه با ایجاد محیطی آزاد خواسته اساسی مردم کره جنوبی که همانا اتحاد و یگانگی دو کره است نیز تحقق خواهد یافت.

ما معتقدیم مردم کره جنوبی مبارزات بی گیر و دلیرانه خود را برای از بین بردن سیستم فاشیستی و ایجاد دمکراسی و صلح و اتحاد بین دو کره ادامه خواهند داد.

ما همواره در جبهه مردم کره جنوبی علیه دیکتاتوری و عملی ساختن دمکراسی واقعی خواهیم بود و از مبارزات آنها همیشه پشتیبانی خواهیم کرد. ما از هر سیستم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که خواست واقعی و حقیقی مردم کره جنوبی باشد، پشتیبانی مینمائیم و هرگز در هیچ شرایطی در امور داخلی کره جنوبی دخالت نخواهیم کرد ولی زمانیکه هیئت حاکمه کره جنوبی بحران سیاسی خود را که بعلت سیاستهای فاشیستی اش بوجود آمده با تهمت هایی بی اساس به ما مربوط مینماید ما با شدیدترین لحنی این افتراها را محکوم مینمائیم.

این امپریالیسم آمریکا است که در کره جنوبی زیر فشار قرار گرفته است و امپریالیسم آمریکا باید از دخالت در امور داخلی کره جنوبی از راههای مختلف مخصوصا از طریق مسلح کردن نیروهای نظامی برای قتل و عام مردم کره جنوبی خودداری نماید، در غیر اینصورت آنها بار دیگر طعم تلخ شکستی مفتضحانه را از دست مردمی مبارز خواهند چشید.

ما این فرصت را مفتنم مینمائیم، و از تمامی مردم، دولتها، احزاب و سازمانها و انجمن های جهان تقاضا داریم کشتار بیرحمانه امپریالیسم آمریکا و حکومت دست نشانده اش را در کره جنوبی محکوم کرده از مبارزات حقوق طلبانه مردم کره جنوبی برای آزادی و اتحاد دو کره بطریق مسالمت آمیز

### \* آیا ما به سوی

بقیه از صفحه ۱

این اضطراب و ترس بیمه آورد نیست زیرا آنچه در این مقاله آمده است وبدون تردید در آینده بصورت عملگرد دولت درجا مع پیاده خواهد شد و اقعیت پیدا کند ما به اقتصاد دولتی روبرو خواهیم شد که تمام ارکان اقتصادی را دولت در دست گرفته و در نهایت با سرمایه داری دولتی روبرو خواهیم گشت. حال به بینیم چرا.

آقای بنی مدر در بخش سوم از این مقاله مینویسند "با نگاه درانجا مبرنا میهای اقتصاد دی با بدینش کار پذیر را رها کنند و نقش فعال پیدا کنند یعنی جای بخش خصوصی را پر کنند و خود در بخش های مختلف اقتصادی متناسب با هدفتها ی اقتصادی سرمایه گذاری کنند" (تاء کیدا زمان است) اگر توجه داشته باشیم که با نگاهی ملی شده ما را دولت در اختیار دارد پس اگر با نگاه جای بخش خصوصی را پر نماید سرمایه های دولتی عرصه حیات ی فعالیت سرمایه های بورژوازی ملی را غلب خواهد کرد و بخش خصوصی عملا زیر سلطه بخش دولتی قرار خواهد گرفت. آنگاه سرمایه داران ملی با زهم تحت هجوم سرمایه دولتی به ورشکستگی و فلکات خواهند افتاد.

این عمل بطری آسکار نقض قانون اساسی است که در آن تصریح شده است که اقتصاد ما با پیدا زسه بخش دولتی - خصوصی و تنوعی به وجود آید. حالا اگر این رهنمود را در کنار رهنمودی بگذاریم که نفت و گاز نیز ملی و در اختیار دولت است آنگاه عرصه پهنای عملگرد کنترل دولتی را درخواهیم یافت. اما آنچه به این عمل ایما دگسترده تری می بخشد رهنمود ۱۴ ست کسه میگوید "تکلیف تا زرگانسی خارجی از لحاظ اینکه دولت باید ترا تصدی کند معلوم شده است و طرح اجرایی آن نیز

درخواست ما به سوی اقتصاد دولتی

درخواست ما به سوی اقتصاد دولتی

اقتصاد سرمایه داری دولتی هر جا که قدم بگذارد ربا خود دستگا عظیم بوروکراتیک را نیز خواهد آورد زیرا با پیدای طریق آن عمل کند پس دم زدن از انقلاب اداری چه حاصلی خواهد داشت؟

عجیب است که در بخش ع آقای بنی مدر می نویسند "بگمان ما اگر واحدهای تولیدی را تولید کنندگان خود ادا رها کنند و در این واحدها آموزش دانشی اجباری گردد، مقدمات بنی اقتصادی توحیدی فراهم میگردد"

با ید پرسید که تولید کنندگان؟ تولید کنندگان که عرصه حیات ی و حرکت آنها، زمینه سرمایه گزاریها ی آنها یعنی بخش خصوصی به تسلط دولت در آمده است؟

زمانی که آقای بنی مدر در بخش عمی نویسند "اگر ما میخواستیم با نگاهی ملی شده جا نشین سرمایه داران در سرمایه گزاریها بشوند ... آیا با این کار تولید کنندگان نی که در آ خر بخش ما از آنها برای ادا رها و احدهای تولیدی دعوت میشود یا بهتر بگوئیم سرمایه داران کوچک و متوسط ملی جزور شکست شدن و راننده شدن از زمینه تولید چیز دیگری بدست خواهند آورد؟

اینست آن اضطراب و ترسی که ما را فرا میگیرد. زیرا سرمایه داری وابسته بوروکراتیک رژیم گذشته بقایای وحشتناک خود را بر عرصه حیات اقتصادی ما گسترده است و رنگ سیاهش هنوز از افق سرزمین ما محو نشده است و اکنون طلوعه سرمایه داری دولتی دیگری با تکیه به ماشین عظیم بوروکراتیک قبلی یکبار دیگر ما را به سوی اردوگاه دیگری سوق نخواهد داد؟

ابعدا این مسئله زمانی وسیع ترمیشود که دریا بیم مزدوران و عمال داخلی ابر قدرت شرق در رهنمودهای شوم اقتصادی خود در برلند گوهایی نا هنجارشان بی وقفه دم از تقویت اقتصاد دولتی میزنند.

شماره ۲ بیمه بستری و تحت عمل جراحی قرار گرفتیم که پس از آن نه تنها دستم بهتر نشد بلکه بدتر و حتی انگشت وسطی ام شکل قبلی خود را نیز از دست داد (هم چنین انگشت سبابه ام از شکل طبیعی خارج و کوچک شده و بخاطر نداشتن مفصل به زائده‌ای تبدیل شده). و پزشکان آن بیمه رستان گفتند که خوب نمیشود.

پس از یکسال و نیم دوندگی و ادعای غرامت نقص عضو، سازمان بیمه‌های اجتماعی ۲۵٪ از کار افتادگی و ماهی ۴۲۲ ریال مستمری برایم

من به عدم افزایش مستمریها میگویند چون این مبلغ کمک است و حقوق نیست شما ملا فزایش نمیشود.

سؤال من از مسئولین وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی و... اینست که ۴۲۲ ریال یا ۱۶۰ ریال در ماه در شرایطی که هزینه زندگی سرسام آور با لامپ و لوازمین مبالغه که فقط شاید کرایه به مراجع به سازمان مربوطه میشود، چگونه میتوان کمکمی به کارگری بکنند که عضوی از اعضای بدن خویش را از دست داده است؟ آیا اینست معنی حمایت از کارگران و مستضعفان؟

### یک زن زحمتکش

## چرا ما نباید مثل شما زندگی کنیم

طالبی، گرمک، خیار، شاه‌دانه. سراسر سال اما بفکر شما شهری‌ها هستیم. تا شما بتوانید این میوه‌ها را میل و نیرو بگیرید. ولی آیا شده تا بحال موقع خوردن میوه‌ها یاد سختی سراسر سال ما باشید که با چه جان‌کدنی این میوه‌ها را بعمل آوردیم. تا شما شهری‌ها از ویتامین بدنتان چیزی کسر نشود؟ خوب حالا که ما کشاورزان سراسر سال با تفاق خانواده نیروی خود را برای شما شهری‌ها گذاشتیم، شما برای ما جکار کردید؟ نگذارید خودم بگویم. فقط خوردن و گفتن شیرین است؟

چرا زمانی که تمام وقت و زحمت زمانه بدوش ما کشاورزان است ما هم مانند شما یک دکتر خوب نداشته باشیم؟ چرا نباید جاده‌دهات ما را آسفالت کنند؟ چرا نباید ما هم حمام و یایک فروشگاه تعاونی داشته باشیم؟ چرا نباید ما هم مانند شما شهری‌ها از برق استفاده کنیم؟ گناه ما چیست؟ چون کشاورز شدیم؟

میگویند جهاد سازندگی وجود دارد بخدا ما فقط اسم آنرا شنیدیم. به قیافه یکایک ما کشاورزان نگاه کنید همه قیافه‌ها شکسته است. ولی پیش خدا شرمنده نیستیم. و با تمام وجود برای پیشبرد انقلاب فعالیت خواهیم کرد.

درخاته آرزوی سلامتی برای امام و موفقیت برای داداش بنی صدر را داریم و از روزنامه رنجبر متشکریم که صدای ما را بشنود مسئولین می‌دانند. کارگر و کشاورز کلاته (شیرمرد)

سلام به تمام رنجبران روی زمین درود به شهیدان و مبارزین راستین انقلاب.

پیرزنی از کلاته (ورامین) که یک دستم کارگر و دست دیگرم دهقان و دراصل شیرمرد زحمتکش سخن میگوید. در سال ۳۷ شوهرم که یک دهقان بود در اثر ناراحتی قلبی فوت کرد. و من تنها ماندم با شش فرزند. بشهر آمدم و در یک کارخانه نساجی مشغول کار شدم باروزی شش تومان و باقی وقت به کشاورزی پرداختم. از ورامین تا کلاته حدود ۲۵ دقیقه و از تهران تا کلاته حدود دوساعت میباشد. جاده کلاته آسفالت نیست. وسیله‌ای هم وجود ندارد. من کارگر شش تا دویعدار ظهر کار میکنم. موقعی که صبح کار هستم، بعلت نبودن وسیله باید از چهار صبح پای پیاده بسوی ورامین حرکت کنم. تابه سرویس کارخانه برسم. زمستان را با آن همه سردی‌اش بیادتان بیاورید که من پیرزن چه کشیدم. زمانی که بعد از ظهر کارمیشوم. سرویس ما را ساعت ۱۱/۵ شب در ورامین پیاده میکنند. با آن همه خستگی تازه باید در این نیمه شب ۲۵ دقیقه پیاده بروم. تا لقمه نانی راکه تهیه کردم، بجزیرانم برسانم. قانون هم که فرقی نکرده همان قانون طاغوت است. هر جا می‌رسند از تساوی حقوق زن صحبت میکنند ولی هنوز مآخوری ندیدیم.

و اما راجع دهاتمان، محصولات که مادر کلاته میدهم عبارت است از

حزب کارگرم - حزب دمکراتیک گره - حزب (دهبی) - کمیته مرکزی جبهه دمکراتیک وحدت گره - کمیته مسالمت آمیز در گره - اتحادیه گره - سندیکای دهقانان و زحمتکشان گره - سندیکای جوانان کارگر سوسیالیست گره - اتحادیه زنان دمکراتیک گره - سندیکای روزنامه نگاران و خبرنگاران گره - انجمن حقوقدانان دمکراتیک گره - سندیکای هنرمندان گره - اتحادیه مسیحیان گره - اتحادیه بوداییان گره - کمیته دانشجویان گره - کمیته همبستگی مردم گره با مردم آسیا و آفریقا - کمیته ملی طرفداران صلح گره.

۱۳۵۹ اردیبهشت ماه سال پیونگ یانگ

## دفاع مردم میدان وثوق از رنجبر فروشان

دکه روزنامه فروشی حزب رنجبران ایران در میدان وثوق، صبح روز دوشنبه گذشته مورد حمله قرار می‌گیرد. شخص حمله کننده پیش از هر چیز سعی داشت شعار "به آمریکا نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود" را پاره کند. پس از بهم ریختن نشریات و کتابها و پاره شدن شعارها، یکی از حمله‌کننده‌ها بعنوان شاکی به سپاه پاسداران محل مراجعه میکند.

بگفته شاهدان عینی عده‌ای از ساکنین میدان وثوق و رفقای روزنامه فروش ما، پس از مراجعه این شخص به دفتر ستاد شماره ۱ تهران نوسپاه پاسداران چند نفر از آنها بدون هیچ گونه مجوز قانونی و ارائه دلیل کلیه نشریات و کتب را جمع کرده و رفقای روزنامه فروش را دستگیر و به دفتر ستاد می‌برند.

شاهدان عینی می‌افزایند که این اقدام غیر قانونی و خودکامسه پاسداران مورد تنفر ساکنین محل قرار گرفته عده‌ای از مردم محل نسبت به رفتار پاسداران شدیداً اعتراض نموده و خواهان آزادی رفقای ما میگرددند. بالاخره وقتی که پاسداران با اعتراض مردم محل و رفقای دستگیر شده روبرو میشوند، آنها را آزاد نموده اما کتب و نشریات جمع شده را به آنان برنمیگردانند.

در مقابل این اقدام پاسداران رفقای ما به کمیته مرکزی سپاه مراجعه کرده بر علیه این خودکامگی اعتراض مینمایند که در آنجا با عذرخواهی مقامات مسئول کمیته مرکزی سپاه روبرو می‌گردند.

بگفته رفقای ما وقتی که علت دستگیری و موارد اتهام خود را از ستاد شماره ۱ سپاه پاسداران می‌پرسند آنها علت اتهام را ناراحتی مردم

تصویب و با چراغ در آمده است آیا زمانی که با زرگان خارجی با آن همه وسعت و گستردگی در دست دولت قرار می‌گیرد مفری برای حرکت و سرمایه گذاری سرمایه ملی وجود خواهد داشت؟

مشا هده می‌کنیم که در بخش آقای بنی صدر از انقلاب آداری صحبت می‌کنند آیا بر کردن بخش خصوصی از طرف با نکها - در دست گرفتن با زرگانی خارجی و کنترل معادن (نفت و گاز) از چه طریقی میسر است؟ جز از طریق دستگاه عظیم پور و کرانیک، دولتی که با دیدر لحظه پر حجت و گسترش آن افزوده شود؟

ما اگر بر ایران را استقلال با فشار می‌کنیم و شعار نه شرقی و نه غربی میدهم باید زبیربنای تحقق این استقلال و این شعار را نیز فرا موش نکنیم. تسلط بخش خصوصی در دست دولت و در تنگنا قرار دادن بورژوازی متوسط ملی راه قطع وابستگی و استقلال از ابرقدرتها نیست.

سروشست بسیاری از کشورهای جهان سوم که به استقلال از یک ابرقدرت رسیدند (مصر - الجزایر - سوریه - لیبی) و سیستم اقتصادی حاکم بر آنها در جلوی چشم ما است.

م - ک - آبادان

## چماق‌داران هنوز فعالند

انقلاب اسلامی ایران میباشد. این کارها با نظرات و تاکیدات اخیر امام، رئیس جمهور و شورای انقلاب نیز تضاد دارد. از جانب دیگر راه مخالفت با نظرات سیاسی دیگران در درون خلق از طریق فحاشی و جفا نیست. اگر هدف مبارزه با نقطه نظرات و مواضع انحرافی بعضی نیروهای سیاسی است، تنها راه از یک طرف پیروی از سیاست درگیر نشدن است و از طرف دیگر افشای این مواضع همراه با بسیج توده‌ها و در پیش گرفتن مبارزه سالم توضیحی برای طرفداران این خطوط. تنها این کوشش و تلاش است که خلق را استوار تر و متحد تر بر روی مواضع و اصول انقلاب ایران و ادامه مبارزه ضد دو ابرقدرت قرار میدهد.

از جانب دیگر مردم ما انتظار دارند که به این خودکامگی چماق‌داران و هرج و مرج طلبان پایان داده شود. احزاب و سازمانهای سیاسی ملی و مردمی تضمین مطمئن مجالس و گردهمایی‌های خود را می‌خواهند. مردم می‌پرسند که چرا آزادی‌های اجتماعی مورد تهدید قرار میگیرند و از طرف مقامات مسئول چه برنامه‌ای برای سروسامان دادن به این آشفتگی‌ها وجود دارد؟

بدنبال برگزاری سالگرد شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران در بهشت زهرا که باعث درگیری بین هواداران مجاهدین و عده‌ای از چماق‌داران تحریک شده گشت، تعدادی از طرف داران مجاهدین توسط کمیته منطقه ۱۴ شهر ری دستگیر شدند. بالاخره با وساطت اولیا و بستگان دستگیر شدگان و مسئولین کمیته منطقه ۱۴ قضیه خاتمه یافت.

حمله چماق‌داران و افراد تحریک شده به این گردهمایی‌ها و سایر مجالس و میتینگ‌های گروه‌های سیاسی که با منظور برهم زدن آن و ایجاد جو اغتشاش و هرج و مرج است باعث بوجود آمدن مسائل گوناگونی شده است.

در درجه اول ما هرگونه درگیری و جفا کشی که از طرف بخشی از خلق علیه بخش دیگر صورت گیرد و همچنین هرگونه تحریکی از یک طرف، که باعث تحریک و حمله از طرف دیگر میشود را شدیداً محکوم می‌کنیم. چرا که این زد و خورد ها و کشمکش‌ها محیط هرج و مرج را دامن زده و ترمز کننده ایجاد ثبات داخلی کشور است. از طرف دیگر مخالف با اصول آزادی‌های دمکراتیک است که از دستاوردهای خونین





### نگاهی به سه روستای فارس جره، تل بیدکان، خلار

روستای تل بیدکان

این روستا فاقد لوله کشی آب، برق، حمام و پزشک است. آب آشامیدنی اهالی از جوی تهیه میشود و بهداشتی نیست. شرکت تعاونی این روستا دارای نارسایی های فراوانی است. دو مدرسه این روستا نیمه ساخته رها شده اند.

روستای خلار

این روستا که در ۹ فرسنگی شیراز واقع است، دارای جمعیتی حدود ۲۰۰۰ نفر میباشد. روستای خلار فاقد هر نوع وسیله رفاهی و کشاورزی اعم از جاده، برق، مدرسه، بهداشت و مسجد میباشد. جاده بقدری خراب است که حتی بیماران را نمیتوان به محلی دیگر منتقل ساخت بطوریکه برخی از آنان بدلیل عدم دسترسی به پزشک و درمانگاه فوت میکنند. این وضع باعث شده که ۹۵٪ از اهالی مهاجرت نموده و فقط افراد مسن که توانایی کار ندارند، مانده اند وضع کشاورزی و دامداری در این روستا بسیار خراب است.

### تقرقه روستائیان، بنفع طاغوتیان است

روستائیان کشور ما سالها زیر ستم فئودالها و زمینداران بزرگ زندگی کرده اند و دارای مشکلات کم و بیش یکسانی میباشد و بدین لحاظ اختلافات آنها در مقایسه با مشکلات شان جنبه ثانوی دارد. تفرقه بین روستائیان خود زمینهای برای سوء استفاده مالکین بزرگ و طاغوتیان است و آنها با دامن زدن بسه اختلافات، از وحدت کوینبوده روستائیان جلوگیری کرده و بدین شکل خود را از خطر حمله آنها روستا از مسئولین تأییدی مین، بر

تل بیدکان، یکی از روستای های بخش جره است که در ۶۰ کیلو متری کازرون قرار دارد. این روستا با وسعت بسیار دارای کمترین جمعیت است یعنی ۱۸ خانوار که به ۱۰۰ نفر می رسند. حدود ۵ خانوار زمین دارند و ۱۳ خانوار فاقد آن هستند و بشکل سهم بری کار میکنند. آب برای کشاورزی از رودخانه ویا قنات تأمین میشود. این روستا فاقد امکانات بهداشتی میباشد. طی ۲ سال گذشته زمینداران بزرگ به منظور تبلیغ برای خود، یک مدرسه عشائری ساخته اند. پس از انقلاب دولت هنوز هیچ کاری برای اهالی این روستا انجام نداده است.

روستای جره

این روستا در ۶۰ کیلومتری جنوب کازرون در راه فرایند قرار دارد و دارای ۱۸۰ خانوار با ۲۰۰۰ نفر جمعیت میباشد. جره نسبت به روستاهای اطراف یعنی باغدشت با ۴۰۰ نفر جمعیت، بالاده با ۲۰۰۰ نفر، سریزجان با ۱۲۰۰ نفر، سویس با ۱۰۰ نفر و کیخ با ۲۰۰ نفره همگی توسط جادهای بسیار ناموار به آن متصل میشوند، نقش مرکزیت دارد.

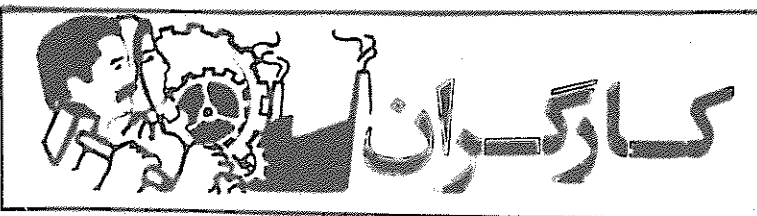
### چرا در آمد باغ اویسی را خرج «انجیر آب» نمی کنید؟

مدتی قبل سراغ اعضای شورای روستای «انجیر آب» در کرگان رفتیم و به درد دلهاشان گوش کردیم.

روستائیان از وضع بد دستگاه های اداری کرگان بسیار گلهداشتند. آنها میگفتند که ما در مورد سرقتی در باغ اویسی، که متعلق به بیت المال است ماهها قبل طی نامه ای از مقامات مسئول کرگان تقاضای رسیدگی کرده بودیم، ولی هنوز اقدام نشده است. روستائیان «انجیر آب» میگویند، راستی چرا کمترین پاسخی در این باره به مردم داده نمیشود؟

مشکل مهم دیگر روستائیان «انجیر آب» شرایط غیر بهداشتی زندگی اهالی روستا است. «انجیر آب» در فاصله ۵ کیلومتری کرگان قرار دارد. همه روزه تمام زیادهای شهر کرگان پس از جمع آوری در گودالی در اطراف این روستا ریخته میشوند. بوی تعفن و وجود مگس و... فضای روستا را پر کرده است. گلهای ولگرد روده، مرغ های فاسد، استخوان و... را به کوجه های این روستا میکشاند و منظرهای بسیار نفرت انگیز بوجود آورده اند. روستائیان در اینباره شدیداً اعتراض دارند و خطر بیماری های مختلف آنان را تهدید میکنند. با آنکه شهرداری بارها قول داده است که روی زیالها را سمپاشی کند، ولی تاکنون اینکار را نکرده است.

یکی دیگر از مشکلات روستائیان «انجیر آب» که در «رنجبر» شماره ۴۲ دوره اول (آذرماه سال ۵۸) هم بجا رسیده است، مسئله فروش محصولات باغ اویسی است. باغ اویسی که در این روستا قرار دارد در حقیقت ۴۰ هکتار از زمین های غصبی روستائیان انجیر آب است که «اویسی» آنها را بزور گرفته بود، و روستائیان سند مالکیت هم دارند. پس از انقلاب از فروش محصولات این باغ حدود ۷۵۰ هزار تومان بدست آمد که در اختیار کمیته انقلاب کرگان قرار گرفت و روستائیان نیز پس از دوندگی های زیاد موفق شدند تا بابت مال الاجاره ۵۵ هزار تومان دریافت کنند. روستائیان میگویند ما حمام



### نامه چند تن از کارگران کارخانه سیمان نکا

این بار هم مصمم هستیم برای بازگرداندن نمایندگان خود به کارخانه از هیچ مبارزه ای دریغ نکنیم

سه تن از نمایندگان کارگران کارخانه سیمان نکا ما زاندران را بجرم دفاع از منافع کارگران و بانهام «اخلال» اخراج کرده اند. این نمایندگان که به شهادت کارگران کارخانه سیمان نکا از جمله مذاقین واقعی حقوق کارگران هستند، با توطئه مدیر کارخانه و عوامل آنحصار طلب اخراج شده اند. کارگران این کارخانه همانطور که تا کنون تحت هدایت شورای خویش موفق شده اند دست عوامل سرمایه دار وابسته این کارخانه را کوتاه کنند و کارخانه را به راه بیانندازند، اینبار نیز باید متحد و یکپارچه و مستحکم و تزلزل ناپذیر در مقابل تمامی این توطئه های ضد کارگری که هدفی بجز زیربانی دادن حقوق مسلم کارگران و تخریب موقعیت وخیم اقتصادی ایران ندارد، ایستادگی نمایند. ما ضمن جاب نامهای که بوسیله چند تن از کارگران سیمان نکا برای «رنجبر» فرستاده شده، نسبت باینگونه اعمال ضدکارگری شدیداً هشدار میدهیم و خواهان بازگشت بدون قید و شرط نمایندگان اخراجی کارگران و مجازات عاملین این حادثه میباشیم.

### توطئه اخراج نمایندگان کارگران سیمان نکا، با وحدت و یکپارچگی کارگران، در هم خواهد شکست

روزنامه محترم «رنجبر» کارخانه سیمان نکا چند روزیست که برای چندمین بار در عرض یکسال و نیم گذشته در اثر اعمال نفوذ و توطئه عناصر مختلف دچار هرج و مرج شده و آرامش خود را از دست داده است. کارخانه ما در گذشته نیز هدف توطئه های زیادی قرار گرفته بود. طیور ما مدیر سابق کارخانه و عامل محدود رضایی سرمایه دار وابسته به امپریالیسم امریکا، سعی زیادی کرد تا با توطئه های ضد انقلابی خود کارخانه را به تعطیل بکشاند و به اقتصاد کشور ضرر وارد کند و همچنین باعث بیگاری و نارضایتی ما کارگران شود. ولی با مبارزات سر سخخانه ما کارگران کارخانه که با هدایت شورای کارگران کارخانه انجام گرفت این عامل مزدور هیچ نتیجه ای از کار خود نگرفت و هیچ

نمایندگان چه کوشش هایی برای راه انداختن کارخانه و جلوگیری از اخلال و توطئه عوامل ضد انقلاب و چپ نماها انجام داده اند. ما کارگران فکر میکنیم اخراج این نمایندگان بدلیل اخلالگری نبوده است چون خود مدیر جدید کارخانه و دادگاه انقلاب به شهر بهتر از هر کسی از فعالیت های آنها در دفاع از انقلاب اطلاع دارند. بنظر ما دلیل اصلی این تصمیم حرکتها و اعمال این نمایندگان در دفاع از منافع کارگران و جلوگیری از اعمال نفوذ آنحصار طلبان در درون کارخانه بوده است. بطور مثال از هنگامی که کارگران کارخانه اعلام کردند که در انتخابات ریاست جمهوری به بنی صدر رای میدهند، و در مقابل تحمیل گروههای آنحصار طلب مقاومت کردند، این مقامات بلافاصله دست به ایجاد دودستگی بین کارگران زده و شروع به ضربه زدن به شورای کارگری کردند.

درواقع نقشه اخراج نمایندگان ما زقبل ریخته شده بود و دفاع نمایندگان از یک کارگر اخراجی فقط بهانه ای بود برای اینکه این نقشه را اجرا کنند. مهمترین دلیل همدستی آنها اینست که بلافاصله روز بعد از اخراج نمایندگان، یک نفر از دادگاه انقلاب به شهر به کارخانه آمده کارگران را تهدید به اخراج و حتی زندان و غیره کرد.

مبارزات ما کارگران کارخانه سیمان نکا تا بحال نشان داده که زیر بار حرف زور و ناحق نمیرویم. ما کارگران همیشه حق خود را خودمان بدست آورده ایم و اینبار هم مصمم هستیم برای بازگرداندن نمایندگان به کارخانه از هیچ مبارزه ای دریغ نکنیم. در ضمن به آن گروههای آنحصار طلب که غیر از خودشان چشم دیدن هیچ مخالفی را ندارند و بمحض مشاهده یک مخالفت دست به توطئه چینی میزنند هشدار میدهیم که اگر واقعا میخواهند از انقلاب و امام پشتیبانی کنند، نباید در مقابل ما کارگران ایستند، بلکه باید در کنار ما مبارزه بر علیه دو ابر قدرت امریکا و روسیه و عوامل آنها و کلیه جریانهای ضد انقلابی را جلو ببرند. اینگونه اعمال آنها فقط میتواند کارگران را نسبت به انقلاب بدبین کند.

درخاتمه از شما تشریه محترم رنجبر میخواهیم تا با جاب این نامه صدای ما را به کلیه ارگانهای انقلابی و دولتی برسانید. برای شما در راه دفاع از منافع کارگران آرزوی موفقیت میکنیم.

روستا در مسوولین سبب می باشد. حق استفاده از این چشمه گرفته اند. این نزاع منجر به دستگیری عده ای شد و ۳۰۰ نفر از اهالی روستای پهن آب برای آزاد کردن زندانیان جلوی استانداری مازندران در ساری تحصن کردند.

نجات میدهند. بنابراین، در هر مسالهای که روستائیان با آن مواجه میشوند باید با خواست حل دوستانه این اختلافات عمل کنند و لازمه آن تاکید بیش از پیش بر وحدتشان علیه ظالمین و طاغوتیان است.

نداریم، از نظر آب بسختی درمضيقه هستیم، چرا مسئولین مبلغ بیشتری مثلا یک سوم مبلغ فروش این باغ را در اختیار "انجیراب" نمیگذارند تا این روستا که در فقر و بیبیماری بسر میرود، سروسامانی بگیرد؟

توانستیم اورا با همکاری دادگاه انقلاب به زندان و جریمه محکوم کنیم.

محض است و همه کارگران کارخانه وهینطور مقامات دولتی شاهد هستند که در یکسال ونیم گذشته این

چند تن از کارگران سیمان نکاء

### مصاحبه با ...

کرم و ممکن است بعضی ها خوششان نیاید که من اینجا را ستاد تبلیغات بنی صدر کرده باشم و این طوری بخواهند تلافی کنند. دوم اینکه سربازی که به من تیراندازی کرده و در دادگاه انقلاب من پرونده را دنبال می کنم ممکن است قصد از بین بردن من را داشته باشد و سوم اینکه ممکن است واقعا قصد حمله به برادرم را داشته اند. و اینها سوالاتی است که در ابهام است. من از تمام نیروهای انقلابی می خواهم که من مطرح نیستم کاری نکنند که مثل زمان سابق که قداره بندی و قداره کشی مد شود. برای من این سوال پیش آمده که اینها برای چه و روی چه حسابی می آیند و در محلی که همه در خیابان رفت و آمد می کنند توی شلوغی می زنند و فرار می کنند. دلیلش چیست؟ اینها می گویند ما از هیچ کس نمی ترسیم یعنی چه؟ یعنی هیچ قدرتی نمی تواند بس ما دربیاید؟ من می پرسم چرا باید به همچنین افرادی این فرصت را بدهیم؟ اینها مفسد هستند. یک فردی که مثل من تحصیل کرده، دانشگاه رفته بیایند گوشه بیمارستان ببیند زنده و بعد هم فلج بشود. این چه ثمری برای این انقلاب دارد و جز تضعیف این انقلاب، جز نیروهای خود کامة و نیروهایی که اصلا شناختی از اسلام ندارند بیروز می شوند به خاطر قداره کشی و جاقو بندی و زد و بند پیشرفت می کنند.

من الان امنیت و آسایش ندارم و اینجا پشت این تریبون می گویم که شما که روزنامه تان رنجبر هست و خوب بیشتر گروهها تا حدی شمارا قبول دارند. من به شما می گویم، من امنیت ندارم، من تمام زندگی ام را وقف این انقلاب کرده ام خوب آگه قرار باشد من که یک فرد انقلابی بودم در این زمان که باید ثمره انقلاب را ببینم، باید به این گوشه بیمارستان بیفتم و خودم ای گروهي جانی را مشاهده کنم. اگر وضع این طور باشد مردم دو مرتبه به جاهای دیگر گریخته میشوند و این نیروهایی که دارند انجام بیکار می کنند و مردم را ناراحت می کنند.

س: ممکن است بگوئید انگیزه آنها از حمله به شما چه بوده است؟

ج: اینها ممکن است سه نسا انگیزه داشته باشند. اول اینکه من با تمام وجود ریاست جمهوری را پشتیبانی می کنم و از هیچ گونه کاری دریغ نمی

خوب مردم هم به جاهای دیگر گرویده می شوند. چرا؟ من از مقامات مسئول می خواهم که جلوی اینها را بگیرند و با قاطعیت عمل کنند. من بارها و بارها گفتم و تا به حال چندین روزنامه با من مصاحبه کرده اند و گفتم مقامات مسئول هستند که مسئولیت این برنامه را دارند و گفتم این موضوع را که به داد من برسد و زن و بچه من در حال ناراحتی به سر می برند و اگر مقامات مسئول نمی توانند بگویند که یک برنامه دیگری من خودم پیاده کنم.

س: با توجه به اینکه گروههای فشار و خود گامه در سطح کل جامعه عمل می کنند و حتی جلوی فعالیت های رئیس جمهور را هم می گیرند نظراتان در این زمینه چیست؟

ج: من این را می دانم که رئیس جمهور نمایند اکثریت قاطع این مردم است و حرفش باید به کرسی نشسته شود. رهبری انقلاب بارها ایشان را تأیید کرده و اگر نیروهایی هستند که جلوی این مرد بزرگ را می گیرند به خدا بشیمان می شوند و طولی نمی انجامد که خود مردم جلوی اینها بلند می شوند و به هیچ عنوان به آنها رحم نمی کنند، این را باید خودشان بدانند. این فعلا در سطح جامعه مطرح است. و تمام مردم را اگر حالا برویم و از آنها بپرسیم همین را می گویند و اگر از جا کنده شدند دیگر کی می رود جلویشان، شاه نتوانست جلوی مردم را بگیرد، کی می تواند جلوی مردم را بگیرد؟ بنابراین تا کی باید نشست و دید این نیروهای خود کامة هر کاری دلشان خواست بکنند، دیگر زمان در حالت اشباع است، طولی نمی انجامد که خود مردم بلند می شوند و این را من به عنوان فردی که با مردم در انقلاب از دست داده ام و به گفته امام خمینی جزو گلهای بر بر شده این انقلاب می گویم. بس است دیگر نگذاریم آبروی انقلاب ما برود.

### تئوری سه جهان ...

بلکه مانع این شد که کشورهای متمایل به شوروی مانند سوریه و لیبی و نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین حکومت دست نشانده ببرک کارمل را وارد کنفرانس کنند. ایران موفق گردید نمایندگان خبر آزادی بخش افغانستان را وارد کنفرانس نماید. آیا این موفقیت های دیپلماتیک تاثیر مثبتی بر روی مبارزه ضد امپریالیستی و انقلابی خلق های پاکستان و افغانستان و لیبی و سوریه و فلسطین و تونس و مراکش و غیره گذارد یا تاثیری منفی؟ مسلم است که این تاثیر، تاثیر مثبت بوده است. زیرا باعث می شود خلق های این کشورها نیز مبارزه خود را علیه دو ابر قدرت تشدید کنند و این تشدید مبارزه به نوبه خود به روی طبقات حاکم این کشورها فشار وارد آورده و آنها را به سوی مقاومت بیشتر در برابر دو ابر قدرت سوق می دهد و یا حرکت آنها را به سوی وابستگی بیشتر کند می کند.

در یک جو مبارزه ضد دو ابر قدرت، در این جو مبارزه نه شرقی نه غربی، نه رژیم های غرب گرا و متمایل به امریکا و نه رژیم های شرق گرای متمایل به شوروی هیچ کدام نمی توانند زیر فشار دو گانه خلق های خود از سوئی و اتحاد کشورهای جهان سوم از سوی دیگر تمایل خود را تشدید و حرکت خود را تسریع کنند. درست به همین دلیل است که می بینم کشورهای مانند عربستان سعودی مخالف استقرار پایگاه های خارجی حتی امریکائی در کشور خود موضع می گیرند و کشورهای مانند لیبی به موضع گیری علیه شوروی کشانده می شوند.

علاوه بر این دسته از رژیم ها، جهان سوم کشور قدرت هر چند کوچک، مثبت است و باید از آن استفاده نمود. هر نوری هر چند در هر نا چیز بالاخره روشنائی است. در آنچه که به سیاست داخلی این کشورها مربوط می شود، خلق همان کشور باید تصمیم بگیرد. اگر یک رژیمی به خلق خود ظلم و ستم روا می دارد باید خلق همان کشور آن رژیم را در جریان مبارزه های طولانی تغییر داده و یا سرنگون سازد و رژیمی را بر قرار نماید که به انکاء توده های مردم قادر باشد بهترین و موثرترین مبارزه را علیه دو ابر قدرت به پیش برد. یک خلق و کشوری که یک انقلاب مردمی انجام داده وظیفه دارد به جنبش انقلابی کشور های دیگر برای انجام انقلاب اجتماعی کمک کند لکن در عین حال می تواند و باید با دولت های حاکمه بر این کشورها، تا آنجا که این دولت ها مایل و حاضر به مبارزه علیه دو ابر قدرت هستند، متحد شود و آنها را بیشتر به سوی مبارزه ضد امپریالیستی سوق دهد. یک چنین رفتاری نه تنها به جنبش انقلابی آن کشور جهان سوم صدمه نمی زند بلکه به مقاومت دولت ها هم در برابر دو ابر قدرت کمک می کند و در برابر نفوذ و سلطه ابر قدرتها مانعی ایجاد می کند و از این طریق به جنبش انقلابی آن کشور نیز کمک می رساند.

نمونه شرکت ایران در کنفرانس اسلامی اخیر پاکستان مثال خوبی است. ایران با موضع فعال خود در این کنفرانس نه تنها موضع ضد امریکائی شرکت کنندگان را تقویت نمود

های سوسیالیستی را نیز شامل می شود. زیرا کشورهای سوسیالیستی مانند جمهوری خلق چین، جمهوری دموکر - اتیک کره، جمهوری سوسیالیستی آلبانی نیز در جریان نبردی طولانی استقلال سیاسی خود را از امپریالیسم کسب کرده اند و اکنون برای کسب کامل استقلال اقتصادی و حفظ تمامیت ارضی خود در برابر دو ابر قدرت ایستاده اند و در صفوف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی جهانی قرار دارند. دو ابر قدرت و بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی می - کوشند به انواع وسائل - از تحریم و فشار اقتصادی گرفته تا تجاوز مستقیم و غیر مستقیم نظامی - آنها را همچون ویتنام و کوبا به زیر سلطه خود در آورند. بنابراین آنها هم چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی در موقعیت مشابه سایر کشورهای جهان سوم قرار دارند و با آنها متحدند.

همچنین برخی از کشورهای اروپای شرقی مانند یوگسلاوی و رومانی که برای استقلال سیاسی و اقتصادی و حفظ تمامیت ارضی خود به ویژه علیه ابر قدرت روس مبارزه می کنند در صف کشورهای جهان سوم قرار دارند.

بدین ترتیب جهان سوم یک نیروی بسیار عظیمی است که در ابعاد و زمینه های گوناگون فعالیت می کند. به همین دلیل است که ما از کشورهای جهان سوم صحبت می کنیم. کشور به معنی مجموعه ای از خلق و طبقات حاکم که به درجات مختلف در مبارزه ضد امپریالیستی با هم همسوئی و اشتراک عمل دارند. و کشورهای جهان سوم به مثابه یک مجموعه نا همگون که در آن نیرو های کاملا متفاوت به درجات مختلف علیه سیادت دو ابر قدرت مبارزه می کنند و بر آید کلی و عمومی حرکت آنها صرف نظر از استثنائات و اقلیت ها بر آید مثبت و مترقی است. بنابراین به طور خلاصه، خلق ها و کشورهای جهان سوم نیروی اصلی مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار کهنه و ح و سیادت طلبی دو ابر قدرت اند، جنبش عظیم خلق ها و کشورهای جهان سوم برای انقلاب، آزادی و استقلال نه تنها شامل مبارزات توده های مسلحانه و غیر مسلحانه خلق ها، بلکه همچنین شامل مبارزه های می شود که کشورهای گوناگون جهان سوم در چار چوب گرد هم آئی های جهانی مانند جنبش کشورهای غیر متعهد و کنفرانس کشورهای اسلامی برای استقلال از دو ابر قدرت انجام می دهند.

تئوری سه جهان کلیه ابعاد و کلیه بخش های جنبش کشورهای جهان سوم را در نظر گرفته و خواهان این است که آنان هم سر نیزه خود را به سوی بزرگترین دشمنان مشترک بشریت یعنی دو ابر قدرت جهان خوار امریکا و شوروی بگیرند و بدین ترتیب در عمل جبهه متحد وسیعی علیه دشمن اصلی تشکیل دهند. این سیاست، به سود توسعه و تقویت هر چه بیشتر نیروهای مترقی و انقلابی و جنبش توده های خلقی در کشورهای جهان سوم بوده و امر انقلاب اجتماعی این کشورها را نیز تسریع می کند.

حال که معنی و نقش جهان اول (دو ابر قدرت) و جهان سوم را فهمیدیم، لازم است به بررسی تعریف و نقش جهان دوم، یعنی نیروی بینا بینی، بپردازیم. ادا سه دارد

# جهان سوم: نیروی اصلی مبارزه علیه سیادت طلبی دو ابر قدرت است

همانطور که در بالا گفتیم، اصطلاح جهان سوم به مجموعه کشورهایی گفته میشود که زیر سلطه امپریالیسم قرار دارند و همچنین کشورهایی که در گذشته زیر سلطه امپریالیسم قرار داشتند لکن بدنبال کسب استقلال سیاسی خود، مجبورند برای بدست آوردن استقلال کامل خود (استقلال اقتصادی، فرهنگی و غیره) همچنان علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت مبارزه کنند. میهن ما ایران چه در رژیم سابق و چه در رژیم فعلی در چنین وضعیتی بوده و هست. افغانستان و فلسطین هم در همین وضع قرار دارند. اصولاً اکثریت عظیم کشورها و جمعیت جهان جزء جهان سوم اند. جهان سوم سه قاره عظیم آسیا، آفریقا و امریکای جنوبی را در بر میگیرد.

از قریب ۱۵۰ کشور دنیا بیش از ۱۱۵ کشور (یعنی ۸۰٪ آنها) کشورهای جهان سوم اند. جهان سوم بیش از نیمی از مساحت کل جهان و بیش از سه چهارم جمعیت کل جهان را در بر میگیرد (۲/۳ از ۴/۴ میلیارد نفر).

تئوری سه جهان معتقد است که این اکثریت عظیم جمعیت جهان، این نیروی عظیم انسانی که برای رهایی خود از بندهای استعمار و امپریالیسم مبارزه میکنند، نیروی اصلی مبارزه ضد امپریالیستی در سطح جهانی است. این حقیقتی است که مورد قبول هر انسان آزادهای است. مردم میهن ما که خودشان یک انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی یعنی انقلاب اسلامی را انجام داده و سلطه امپریالیسم امریکا را برانداخته اند بخوبی این حقیقت را درک میکنند. آنها نقش خودشان و نقش برادران عرب و افغانی و هندی و آفریقائی و... خود را در نبرد علیه امپریالیسم درک میکنند. آنها به همین خاطر از شعار "جبهه جهانی مستضعفان" که توسط امام خمینی طرح شده است پشتیبانی میکنند زیرا در وجود چنین جبهه‌های بزرگترین نیروی مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت را می‌بینند. امروز در جهان این خلقهای انقلابی جهان سوم اند که شدیدترین نبرد را علیه دو ابر قدرت به پیش می‌برند. مبارزه ضد امپریالیستی این خلقها در خیلی از کشورها حتی به صورت مبارزه مسلحانه و جنگ توده‌ای در آمده است (مانند فلسطین، اریتره، فیلیپین، افغانستان...) و شدیدترین ضربات را به ابر قدرتها وارد می‌آورد.

بعلاوه، اگر به گذشته نیز نگاه کنیم می‌بینیم که در طول تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی، این خلقهای جهان سوم بوده‌اند که بیشترین و شدیدترین مقاومت و مبارزه را علیه امپریالیسم انجام داده‌اند. این مبارزه نزدیک یک قرن است که ادامه دارد. مردم ایران با جنبش مشروطه از اولین قیام کنندگان ضد استعمار بودند. لکن هرگز پیروزی

# تئوری سه جهان چراغی برای مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای جهان

بیگانه قرار گیرند. در نتیجه امپریالیسم نتوانست این کشورها را به خود کاملاً وابسته سازد. موفقیت امپریالیسم در این زمینه کاملاً نسبی بود، یعنی کشورهای جهان سوم به درجات مختلف مستقل و یا وابسته شدند. البته در برخی کشورها در دوره پس از جنگ جهانی دوم، امپریالیسم بخصوص امپریالیسم امریکا با توسل به کودتای نظامی رژیمهایی را سر کار آورد که گوش به فرمان او بودند. مانند رژیم شاه سابق در ایران. سپس با تکیه بر روی این رژیمها توانست بتدریج اقتصاد کشورها کاملاً بخود وابسته سازد. همچنین شوری سوسیال - امپریالیستی در این اواخر با توسل به همان شیوه‌های کهنه و استعماری و نو استعماری، با توسل به کودتا و اشغال نظامی برخی دولت‌های کاملاً دست نشانده را سر کار آورد (مانند رژیم ببرک کارمل) و یا برخی رژیمها را به خود وابسته ساخت (مانند ویتنام و کوبا) این دولت‌ها و رژیمهای جهان سوم مانند سگ زنجیری امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوری نقش بازی کرده و میکنند. لکن غلط است اگر تصور شود در همه کشورهای جهان سوم عروسکهای گوش به فرمان و سگهای زنجیری امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم حکومت میکنند.

واقعیت این است که آنها نه کاملاً بلکه به درجات مختلف وابسته هستند و به همان نسبت نیز کم یا زیاد از خود استقلال طلبی نشان میدهند. این واقعیت را مابطور زنده در جنبش کشورهای غیر متعهد می‌بینیم که چگونه دهها کشور با رژیمهای سیاسی گوناگون و نظامهای اجتماعی متفاوت همگی علیه توسعه طلبی، سلطه جوئی و تجاوزات اقتصادی و سیاسی و نظامی دو ابر قدرت متحد میشوند و مبارزه واحدی را به پیش می‌برند. نمونه باز هم زنده‌تر این واقعیت در کنفرانس کشورهای اسلامی دیده شد که اخیراً در پاکستان برگزار گردید و در آن دهها کشور اسلامی متفقاً "تجاوز امریکا به ایران، اشغال افغانستان توسط شوری، اشغال قدس و سرزمین فلسطین توسط اسرائیل و دیگر تجاوزات سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم و صهیونیسم را علیه خلقها و کشورهای جهان سوم محکوم نمودند و یک سلسله تصمیمات مشخص برای مبارزه مشترک و متحد خود در راه آزادی سرزمینهای اسلامی اتخاذ کردند. از این نمونه‌ها فراوان میتوان ذکر کرد. در اینجا باید یک نکته مهم را که غالباً بد فهمیده

کامل بدست نیآوردند و هیچ وقت هم مبارزه را برای کسب کامل پیروزی قطع نکردند. دلیل آن هم واضح است آنجا که ستم هست مقاومت و مبارزه هم هست. و چون خلقهای جهان سوم بیشترین ستم و فشار را متحمل می‌شوند، بیشترین مقاومت را هم از خود نشان میدهند. اینها حقایقی است که نه تنها اوضاع کنونی دنیا بلکه همچنین تاریخ گذشته نهضت ما و سراسر جهان گواه آنست و مورد انکار هیچ فرد صادقی نمیتواند قرار گیرد.

اما وقتی از جهان سوم صحبت می‌کنیم، علاوه بر خلقهای این کشورها، دولت‌های آنها را هم در نظر میگیریم. تکلیف این دولت‌ها چه میشود؟ آیا از آنها هم میشود به عنوان یک نیروی ضد امپریالیست نام برد؟ اینجاست که مسئله کمی پیچیده میشود و سئوالاتی مطرح میگردد. مردم میپرسند نظریه تئوری سه جهان در این باره چه میگوید؟ تئوری سه جهان در این مورد معتقد به برخورد مشخص است و نه عام گوئی. بعضی‌ها خوش دارند که همه دول جهان سوم غیر از ایران و سه چهار کشور دیگر را دولت ارتجاعی و نوکر امپریالیسم بنامند. اما تئوری سه جهان مخالف چنین نحوه برخوردی است. باید دید این دولت‌ها کدامند و از کجا آمده‌اند. اکثریت کشورهای جهان سوم در گذشته مستعمره قدرت‌های امپریالیستی غرب (فرانسه و انگلیس و...) بودند، مثل کشورهای آفریقائی که در جریان مبارزه‌های طولانی بتدریج به استقلال سیاسی از امپریالیست‌ها دست یافتند و استعمار کهنه را در هم شکستند. امپریالیسم که در مقابل مبارزه ضد استعماری خلقهای جهان سوم مجبور به قبول شکست خود شد، کوشید از طریق دیگری یعنی "از در عقب" وارد شود و در شکل غیر آشکار و پوشیده سلطه خود را در کشور سابق مستعمره برقرار و منافع خود را حفظ کند. این بار دیگر استعمار مستقیماً کشور را به اشغال خود در نیآورد، و عوامل خود را در راس حکومت و ادارات دولتی کشور مستعمره قرارداد بلکه کوشید از طریق "استعمار نوین" از طریق قراردادها و روابط پیچیده اقتصادی و بازرگانی، نفوذ خود را حفظ کند و رژیم جدید را به خود وابسته سازد.

لکن، این کوشش امپریالیسم برای اجرای سیاست نو استعماری و وابسته کردن کشور مستعمره به خود، با عکس العمل مخالف خلقها و کشورهای جهان سوم روبرو شد که نمیخواستند دوباره به شکل دیگر مورد استعمار و استعمار

میشود توضیح داد. بعضی‌ها میگویند در اغلب کشورهای جهان سوم رژیمهای ارتجاعی حاکم اند و سئوال میکنند، چگونه این رژیمهای ارتجاعی که به خلق خود ظلم و ستم میکنند قادرند علیه امپریالیسم مبارزه کنند؟ البته بحث اینکه ارتجاعی کیست و به کدام رژیم میتوان ارتجاعی گفت و به کدام مترقی بحث مفصلی است. بعضی‌ها رژیم کنونی ایران را هم ارتجاعی می‌دانند، بعضی‌ها حتی آن را فاشیستی میدانند. بنظر ما امروز معیار اصلی مترقی و یا ارتجاعی بودن هر فرد و یا هر رژیم جهان سوم در موضع آن فرد یا رژیم در قبال امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت است. بعبارت دیگر، از آنجا که تضاد اصلی جوامع جهان سوم تضاد با امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت است، میزان مترقی بودن فرد یا رژیم جهان سوم هم در این است که به چه میزان و به چه اندازه و تا چه حد و با چه شدت و عمق و وسعتی علیه این دشمنان اصلی خلقها یعنی دو ابر قدرت جهان‌خوار مبارزه میکنند.

در این ارتباط، آن دولت‌ها و یا جنبشهای آزادی بخشی که علیرغم اعتقاد به مبارزه مسلحانه انقلابی، در برخورد به ابر قدرت شوری شیوه موازات در برابر آن و یا حتی توجیه این ابر قدرت و جنایات آن را اتخاذ می‌کنند، خصالت مترقی شان دچار نقصان و ضعف شدید میگردد. ما در جهان نمونه‌هایی داریم از جنبشهای آزادی بخشی که علیرغم مبارزه جوئی خود در مبارزه علیه امپریالیسم به دلیل عدم هوشیاری در برابر سوسیال امپریالیسم از جاده انقلاب و ترقی خارج شده به ابزار دست سوسیال امپریالیسم تبدیل شده‌اند (مانند کوبا و ویتنام و "مسلان" در آنگولا).

از این دیدگاه، ما جمهوری اسلامی ایران را یک حکومت مترقی می‌دانیم که به پیشاپیش کشورهای جهان سوم علیه دو ابر قدرت مبارزه می‌کند. خط نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی و وفاداری و پایداری رهبران و مسئولین مملکتی جمهوری اسلامی به این خط ضد امپریالیستی است که ملاک تعیین کننده مترقی بودن آن است.

هرکسی که در این دنیا، در دنیایی که دو ابر قدرت برای آفتابی آن با هم جدال می‌کنند، علیه دو ابر قدرت مبارزه می‌کند در جهت ترقی قدم بر می‌دارد. حال اگر این فرد علیه دو ابر قدرت زیاد مبارزه کند، زیاد مترقی است و اگر کم مبارزه کند، کم مترقی است. اگر این مبارزه خود را علیه دو ابر قدرت به انکاء توده‌های مردم کشور خود انجام دهد در آن صورت در این مبارزه بزرگترین موفقیت‌ها را کسب خواهد کرد. ولی اگر در این مبارزه به توده‌های مردم انکاء نکند و یا آنها را مورد ظلم و ستم قرار دهد موفقیت‌های بزرگی نصیبش نخواهد شد. وقتی متحمل است که در مبارزه با یک ابر قدرت، از آنجا که به توده‌ها تکیه نمی‌کند، به ابر قدرت دیگر تکیه کند و به آن وابسته شود. لکن همه این حالات مختلف در یک چیز مشترک اند و آن مبارزه به درجات مختلف به اندازه‌های مختلف و در حدود گوناگون علیه دو ابر قدرت است.

تئوری سه جهان معتقد است که هر مبارزه‌ای علیه دو ابر

سکوت‌های بی‌دری، موضعگیری مدارا جویانه در مسئله المپیک اجازه قانونی دادن برای تبلیغات و لجن پراکنی عوامل مستقیم سوسیال امپریالیسم روس در ایران بر علیه انقلاب ما، اجازه دادن به رسانه‌های گروهی در ایران که به انقلاب ما بدعت تهنیت داد داشته، با د. محمد مصدق، با د. سکت اختلا. کند،

مصاحبه با  
د. سکت اختلا

س: نقش اسلام مبارز در منطقه و افغانستان را میتوان توضیح دهید.  
و یا نقش آن را در رابطه با وحدت خلق؟  
ج: اسلام مبارز بعد از آغاز انقلاب ایران و انقلاب افغانستان به یک

منطقه مبدل شد. در کشور ما نقش اسلام مبارز بسیار با اهمیت است. اسلام مبارز پیشوای ایدئولوژیک و رهبری کننده جنبش ماست و نقش کاملا مترقی دارد. برخورد ما به جنبش اسلامی افغانستان و نقش مبارزه جویانه اسلام کاملا روشن است. ما از این جنبش به عنوان یک جنبش انقلابی با تمام نیرو دفاع میکنیم و خود را در کنار آن می‌یابیم. شاهد آن، قهرمانیها و شهادتهای بیشمار اعضای گروه ماست که در کنار برادران اسلامی خود خون خود را نثار راه استقلال میهن نموده و بدین صورت نهال وحدت پولادین را آبیاری نمودند.

س: تاثیر انقلاب ایران در افغانستان و منطقه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: همانطور که گفتیم انقلاب ایران در منطقه به یک عامل مهم در مبارزه بر علیه امپریالیسم مبدل شد و بدون شک نمیتوانست این انقلاب بر انقلاب کشور ما تاثیر نگذارد و از انقلاب افغانستان تاثیر نپذیرد. انقلاب ما

**اسلام مبارز**

**پیشوای ایدئولوژیک و رهبری کننده جنبش ما است.**

روی چند دلیل از انقلاب ایران تاثیر پذیرفته است. ۱- پس از پیروزی انقلاب ایران برای بار اول یک نیروی اسلامی مستقل از دو ابر قدرت در منطقه بوجود آمد که مورد پشتیبانی اکثریت خلق ایران قرار داشت. تاثیر منوی انقلاب بر توده‌های مردم ما که در برابر سوسیال-امپریالیسم روس قرار داشتند قابل توجه بود. ۲- وجود زحمتکشان بسیاری از وطن ما که در ایران مشغول کارند و در جریان مستقیم انقلاب ایران قرار داشتند، در انعکاس دست‌آوردهای انقلاب ایران برای مردم تاثیر زیادی داشته است.

تاثیر متقابل انقلاب افغانستان بر انقلاب ایران بیشتر در استحکام موضع انقلاب ایران در مقابل سوسیال-امپریالیسم روس و بمثابة سنگر نیرومند برای دفاع از انقلاب ایران در برابر سوسیال-امپریالیسم روس بود.

اما علت اصلی بر پا شدن و رشد انقلاب آزادیبخش کشور ما را باید در تضاد عمیق مردم ما با امپریالیسم متجاوز روس و روحیه سنتی ضد تجاوز مردم ما دید. خواست اصلی مردم ما کسب استقلال و اخراج مسلحانه و قطعی روسها از افغانستان و پرچم فکری این جنبش هم اسلام مبارز میباشد.

بنابراین تضاد مهمی که مانع وحدت نیروهای ملی گردد وجود ندارد. گروه انقلابی ما در جهت تامین وحدت تمام احزاب، سازمانها و محافل خارج و داخل کشور و جبهات جنگ بطور جدی مبارزه میکند. اگر در آغاز انقلاب ما تاثیر انقلاب ایران بمثابة یکی از عوامل ثانوی مطرح بود، امروز جنبش آزادیبخش کشور ما در منطقه و جهان از ویژگی‌های زیادی برخوردار است که تاثیر آن بر جریان انقلابی در منطقه دارای ارزش بسزائی است. انقلاب افغانستان بمثابة اولین جنگ رویاروی در مقابل سوسیال-امپریالیسم درنده روس در سطح جهان و منطقه آغاز گشته است. جنگ تمام عیار ولی عجیب نا برابر جنگی که از یک طرف آن بزرگترین زرادخانه و ماشین جنگی جهان با تمام قوا درگیر است و در طرف مقابل آن خلقی قرار دارد با اسلحه ساده با کمترین امکانات ممکن در جهان، بدون هیچگونه پشتیبانی از جانب کشورهای جهان آن هم در همسایگی دشمنی که تقریباً دو هزار کیلومتر مرز مشترک با آن دارد.

انقلاب کشور ما از این جهت نیز دارای اهمیت است که در زمانی با امپریالیسم روس در رویارویی قرار میگیرد که سوسیال امپریالیسم سالمتر از همه امپریالیستها و در حال تهاجم میباشد.

خصوصیت دیگر کشور ما که اهمیت انقلاب افغانستان را بین‌المللی میسازد این است که کشور ما برای امپریالیسم روس صرفا بمثابة یک کشور دارای امتیازات و منابع اقتصادی مطرح نبوده، گذرگاهی حیاتی در نقشه استراتژیک شوروی برای تسلط بر جهان بشمار میرود. بخودی خود روشن است که شکست شوروی در اینجا صرفا به از دست دادن چند امتیاز نمی‌انجامد. بلکه تمام نقشه استراتژیک آنرا دگرگون میکند. از این لحاظ شوروی در افغانستان بیک جنگ حیاتی دست زده است و انقلاب کشور ما این نقشه جهانی او را بر هم میزند و تضمینی است در قدم اول برای بقای انقلاب ایران و کمک به صلح در منطقه و جهان.

# افغانستان (۲)

## گشیمکش دو ابر قدرت نقش اسلام مبارز تأثیر انقلابات ایران و افغانستان بر یکدیگر

اما متأسفانه در جهان، انقلاب افغانستان نتوانست آنچنانکه شایسته او است مورد پشتیبانی قرار گیرد. کمتر انقلابی در جهان در ظرف کمتر از دو سال این همه قربانی، این همه فداکاری، این همه شهید داشته است. کمتر انقلابی در جهان در شرایط سختی که ما بسر می‌بریم توانسته با این امکانات محدود این همه پیروزی و افتخار داشته باشد. یک میلیون کشته، صدها دهکده و شهر ویران شده و در مقابل ایجاد مناطق وسیع آزاد شده و صدها سنگر و جبهه مقاومت، این است یک نمونه از وضع کشور ما.

پشتیبانی از انقلاب افغانستان با خصوصیتی که بر سر داریم، همیاریست در تعیین نیروهای اصیل انقلابی از سایر نیروها. از آنجا که این انقلاب و نتایج آن صرفاً در چارچوب کشور ما مفید نمانده و نتایج مثبت و منفی آن در این مقطع از زمان در سطح جهان و بخصوص منطقه تاثیر خود را میگذارد، لذا برخورد کشورها و مردم جهان و منطقه در قبال انقلاب افغانستان نمونه‌ایست در پشتیبانی از استقلال خودشان و صلح جهانی و یا برعکس.

با اشغال افغانستان عکس‌العمل‌های وسیع اما متفاوتی در جهان پدیدار شد. کشورهای غربی بر حسب سرشت خود، به انقلاب مابرخورد سوسیالیسم نموده و بالاتر از همه بعضی ازین کشورها در مقابل شوروی از در مدارا جوتی در آمدند. آنها بخاطر منافع خود با طرح "بیطرفی" افغانستان سرنوشت کشورها را به معامله گرفته، و حق تعیین سرنوشت مردم ما را بکلی انکار کردند، عده‌ای دیگر از کشورها در چارچوب دیپلماتیک و سیاسی از جنبش ما پشتیبانی نمودند. در منطقه هم، برخورد کشورها نسبت به امر انقلاب ما گوناگون بود. ما است.

اما شاید عجیب‌ترین و غیر منتظره‌ترین برخورد به امر انقلاب ما از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران که مورد پشتیبانی قاطع مردم ما قرار دارد و انقلاب ما در واقع بعنوان یک سنگر دفاع از انقلاب ایران میباشد، در برابر انقلاب کشور ما نتوانست موضع قاطع احرار کند. پیش از اشغال افغانستان موضع دولت ایران آمیخته به سکوت‌ها و یا آنهمه

**انقلاب ایران**

**در این مرحله در معرض امتحان مهمی قرار گرفته است.**

لجن‌براکنی‌های ترهکی و امین نسبت به رهبری انقلاب ایران، رسانه‌های گروهی ایران با انواع اقسام وسایل می‌کوشیدند، انقلاب کشور ما را وابسته به غرب و عقب‌گرا وانمود کرده و به نحوی دولت دست نشانده ترکی-امین را بر حق جلوه دهند. پیش از اشغال انتظار میرفت دولت جمهوری اسلامی ایران که از اعتبار وسیعی در جهان برخوردار است، در عرصه دیپلماتی و سیاسی مسئله پشتیبانی از امر انقلاب کشور ما را بجلو ببرد، اما دولت ایران در این زمینه نه تنها عمل نکرده، بلکه به غرب و دولتهای دیگر اجازه داد که در پشت نقاب "پشتیبانی" از مردم ما اهداف منفعت طلبانه خود را به پیش بکشند. البته روشن است که سوسیال امپریالیسم روس کوشید با ایجاد بحران گورستان، گنبد و غیره دولت ایران را مشغول سازد و به انقلاب ما ضربه اساسی وارد کند. اما دولت ایران نتوانست یا قان نشد که صریحاً این توطئه‌ها را افشاء نموده و واقعیت سیاست شوروی را در این بحران‌ها شجاعانه رسوا سازد.

بعد از اشغال افغانستان اگرچه اعلامیه شورای انقلاب در محکوم کردن تجاوز روسها محکم و قاطع بود اما این قاطعیت در همه جوانب انعکاس نیافت.

بین‌المللی برای آنها سختگیری ورود مهاجرینی که تازه به ایران می‌آیند با چنانی که آنها را بنام "تجاوزی" بدست نیروهای اشغالگر سوزده و دست بسته تسلیم مرگ می‌کنند (امیدواریم دولت ایران جلو تکرار این جنایات تکان دهنده را گرفته و مسیبین آنها را مجازات کنند). خلع سلاح مجاهدینی که از کام مرگ توانسته‌اند اسلحه بدست بیاورند و ضبط اسلحه‌ها، تبعیض‌قایل شدن بین نیروهای استقلال خواه و مبارزه در رابطه با باز شدن دفترهای شان در ایران، سلب کردن ساده‌ترین حقوق مبنی بر ندانن ویزا به افغانها، تکیه از سایر کشورها برای کمک به هموطنان خود و یا کمک رساندن به جبهات جنگ مجبوراند به ایران بیایند. ندادن هیچگونه کمک مادی به مردمی که در سنگرگاهها با شکم گرسنه می‌جنگند، همه و همه نشانه‌هایست که از دولت جمهوری اسلامی ایران بهید

**افغانستان گذرگاهی حیاتی**

**در نقشه استراتژیک شوروی برای تسلط بر جهان بشمار میرود.**

بنظر میرسد. اینکه سایر کشورها چگونه به مسئله انقلاب کشور ما پرداخته‌اند روشن است، زمانیکه نیروی مستقل و هم سرنوشت مثل ایران نتواند با کمک برساند، توقع از کشورهایی مثل پاکستان نادرست است. بنظر ما و بیشتر انقلابیون افغانستان، انقلاب ایران درین مرحله در معرض امتحان مهمی قرار گرفته است. پشتیبانی از انقلاب افغانستان که رسالت بزرگی را بدوش دارد محکمی است که نشان میدهد، انقلاب ایران در جریان تکامل خود، توانسته است مسیر اصلی خود را بهیچ‌یک از آنها نماند.

س: نظر شما در باره اوضاع جهانی بویژه دو ابر قدرت آمریکا و روس چیست؟

ج: مسئله مرکزی را در شرایط کنونی تضاد و کشمکش دو ابر قدرت میسازد اما جریان اصلی تاریخی را درین مرحله استقلال کشورها، آزادی ملی و انقلاب خلقها تشکیل میدهد. پس از جنگ دوم جهانی بویژه پس از تلاش اردوگاه سوسیالیستی و پیدایش امپریالیسم نوخاسته روس، اوضاع جهان دچار دگرگونی شدیدی شد، سوسیال امپریالیسم روس که از تمام امپریالیستها حرص و آز بیشتری در جهان خورای دارد، با اتخاذ سیاست تعرضی و نظامی خود بشدت در راه سیادت بر جهان و کسب سرکردگی تلاش می‌کند. اشغال افغانستان نمونه‌ای از حرکت مستقیم نظامی این امپریالیسم نوخاسته است. بخاطر سیادت بر جهان هدف نخستین اشغال افغانستان، عبارت از ایجاد یک پایگاه مستحکم نظامی است که از آنجا بتواند بسادگی پاکستان و ایران را اشغال نماید و خود را به بحر هند برساند و در صورتی که کودتای نوکران ایرانی سوسیال امپریالیسم روس در ایون به پیروزی نیانجامد به اشغال مستقیم ایران و حوزه خلیج بپردازد. منظور سوسیال امپریالیسم شوروی از اشغال حوزه خلیج و تسلط بر دریای هند تکمیل محاصره اروپا و اشغال برق آسیای آن می‌باشد. هدفی که با مستقر ساختن نیروهای نظامی خود در اروپای شرقی و چهار طرف اروپا کامل می‌گردد.

امپریالیسم آمریکا بمثابة یک ابر قدرت در حال افول، آخرین تلاشهای خود را برای حفظ منافع خود در عرصه جهان بکار میبرد. سرشت آمریکا یک سرشت امپریالیستی است و باید در مقابل خطر آن هشیار بود، در عین حالیکه خطر عمده را در جهان نمی‌سازد.

آمریکا نسبت به مسئله افغانستان و اشغال آن سخت نگران است و می‌کوشد تا جنبش آزادیبخش کشور ما را بشکلی تحت نفوذ خود در آورد. اما بیداری مردم و متکی بودن تمام نیروهای مبارز بر روی استقلال ضامن بزرگی است که نشود امپریالیسم آمریکا را مانع گردد. در سال جنگ آزادیبخش کشور ما در شرایطی که هیچگونه کمکی از بیرون دریافت نکرده بود، با تکیه بر عدم وابستگی، نشانگر روحیه عمیق استقلال خواهی در بین مردم ما میباشد.

ادامه دارد





# رویدادهای جهان

## حضور نیروهای روسی و کوبائی در شاخ آفریقا محکوم شد

در کنفرانس اسلامی وزیر امور خارجه کشورهای اسلامی که اخیراً در اسلامآباد پاکستان برگزار شد، از طرف وزیر خارجه سوماتی قطعنامه‌ای در مورد اوضاع متشنج شاخ آفریقا به کنفرانس پیشنهاد شد. کنفرانس اسلامآباد با تکیه بر عدم تعهد کشورهای اسلامی به بلوک بندیهای نظامی و استقرار نیروهای نظامی قدرتهای بزرگ در منطقه این قطعنامه را تصویب نمود.

تصویب این قطعنامه، هوشیاری کشورهای اسلامی را در مقابل تعرض سوسیال امپریالیسم و مزدوران کوبایی اش در شاخ آفریقا نشان میدهد. کشورهای اسلامی با تصویب این قطعنامه باردیگر این حقیقت را نشان دادند که در حفظ و حراست از این جبهه نوین مستقل و غیر متعهد منافع مشترک دارند و دخالت و تجاوز امپریالیسم شوروی به هریک از کشورهای عضو، دخالت و تجاوز به کلیه کشورهای اسلامی میباشد. در زیر اهرم مفاد این قطعنامه را میآوریم. بانوجه به قطعنامه شماره ۵ مصوبه اجلاس فوق العاده کنفرانس اسلامی اسلامآباد در ژانویه ۸۰:

بانوجه به کمیسیون تحقیق و بررسی دبیرخانه که از تاریخ ۱۶ تا ۲۴ آوریل به سوماتی سفر کرده است؛ بانوجه به نگرانی شدید نسبت به حضور نیروهای روسی و کوبایی وسایر متحدینشان در شاخ آفریقا و با توجه به نقض تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک سوماتی گزارش شده بوسیله کمیسیون تحقیق و بررسی؛ و بادر نظر گرفتن اثرات منفی و خطرناک حضور بیگانگان در شاخ آفریقا در مورد امکان دست یافتن بیک راه حل محقانه بطریق صلح آمیز در باره مشکل اریتره، کنفرانس اسلامی حضور پیوسته نیروهای نظامی روسیه، کوبا وسایر نیروهای نظامی را که از خارج از قاره آفریقا در شاخ آفریقا مستقر هستند محکوم مینمائیم.

مجدداً خواستار تخلیه فوری، کامل و بدون قید و شرط این نیروها از شاخ آفریقا هستیم.

جمهوری دموکراتیک سوماتی را پشتیبانی و تقویت اخلاقی، سیاسی و مادی مینمائیم تا بتواند در مقابل فشار و تجاوز نیروی خارجی مقاومت نماید.

از کلیه دولت ها و سازمانهای ویژه جهانی درخواست میکنیم که کمکهای بشردوستانه خود را در اختیار پناهندگان اریتره‌ای در هر گجا که ممکن است باشند قرار دهند.

یا زدهمین کنفرانس کشورهای اسلامی در قطعنامه خود راجع به خاورمیانه مسئله فلسطین را اساس مسائل خاورمیانه دانسته و اعلام داشته است که استقرار صلح با انجام اقدامات یک جانبه امکان پذیر نخواهد بود.

در این قطعنامه آمده است که یک صلح پایدار و عادلانه تنها در صورتی در خاورمیانه برقرار خواهد شد که اسرائیل صهیونیست بدون هیچگونه قید و شرطی سرزمینهای اشغالی فلسطین و اعراب را تخلیه کند و حقوق ملت فلسطین را در زمینه تعیین سرنوشت خود و تشکیل کشوری مستقل به آنان بازگردانده شود.

این قطعنامه همچنین خواستار برقراری حاکمیت اعراب و مسلمانان بر بیت المقدس شده و برای این نکته تاکید میکند که سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. کشورهای اسلامی در قطعنامه خود هرگونه دخل و تصرف و تغییراتی را که اسرائیل از نظر فرهنگی - جغرافیایی و مذهبی در سرزمینهای عربی و فلسطین انجام داده است مردود دانسته و آنرا غیر قانونی میدانند. کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس خواستار برجیده شدن کلیه شهرکهای احداث شده توسط اسرائیل در فلسطین و سرزمینها توسط اسرائیل شده اند.

مواقت نامه کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل را نیز مردود دانسته و هرگونه راه حل یک جانبه‌ای را با حقوق خلقهای عرب و فلسطین متاثر دار در محکوم کرده اند.

در ادامه پشتیبانی وسیع کشورهای اسلامی از مبارزه خلق فلسطین هفته گذشته نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد در طی قطعنامه‌ای خواستار برگشتن شهردار روماندان

# پیروزی خلق فلسطین در گرو انکاء به نیروی خود است

سیاست کشورهای اسلامی است که مبنای وحدت آنها مبارزه علیه سلطه هر دو ابر قدرت و تکیه بخود میباشند. از طرف دیگر سازمان آزادیبخش فلسطین که چند روز پیش در سوریه گنجره خود را بر گزار کرد، بر روی تشدید مبارزه مسلحانه تاکید کرده است. تاکید بر روی مبارزه مسلحانه در شرایط بغرنج کنونی جهان بویژه منطقه خاورمیانه اگر با سیاست انکاء به نیروی خود، وحدت با کشورهای اسلامی و سایر کشورهای جهان سوم و موضع گیری قاطع علیه هر دو ابر قدرت آمریکا و روسیه همراه نباشد، جنبش را از مسیر و آرمانهای اولیه خلق فلسطین منحرف میسازد. این جنبش اگر میخواهد در راه تحقق آرمانهای خلق فلسطین قدم بردارد بایستی با دشمنان اصلی خلق فلسطین یعنی صهیونیسم، امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم، مرز بندی قاطع داشته و سیاست همبستگی و وحدت با جنبشهای استقلال طلبانه را در پیش گیرد.

با گذشت هر روز کشورهای سازمانهای بیشتری بکلیه پشتیبانی و حمایت از حقوق خلق فلسطین برمیخیزند. دولت غاصب و نژادپرست اسرائیل روز بروز بیشتر در صحنه بین المللی منزوی تر و بی آبرو تر میشود. این امر بخاطر فعالیت جنبش خلق فلسطین و ناعادلانه بودن دولت تحمیلی و غیر قانونی اسرائیل است.

اما متأسفانه جناحهایی از جنبش آزادیبخش فلسطین (ساف) بجای بهره گیری از این امکانات مساعد بین المللی و انکاء به نیروی خلق فلسطین

# رویدادهای اقتصادی

## چرا دهقانان بی زمین و کم زمین سهمی از وامهای دولتی ندارند؟

شورای انقلاب تصویب کرد که بدهی های کشاورزان تا ۵ هزار تومان بخشوده شود. مطابق ماده ای که به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسید، وزیر کشاورزی و عمران روستایی اختیار دارد که دیون به تعویق افتاده کشاورزان خرده مالک را که مبلغ آن بیش از ۵ هزار تومان نیست، به وزارت کشاورزی و موسسات تابع این وزارتخانه ببخشد. این ماده همچنین شامل بدهی های جنسی کشاورزان نیز میشود، به این صورت که وزارت کشاورزی بدهی های جنسی کشاورزان را بر حسب قیمت روز حساب کرده و مطابق قانون عمل میکند.

این یک اقدام مثبت است چرا که در جهت تقویت بنیه مالی کشاورزان خرده پاست. این اقدام بوسیله اقدامات دیگری در زمینه دگرگونی در سیاست اعتباری و اعطای وام وزارت کشاورزی و موسساتش می بایست بلافاصله پس از پیروزی انقلاب انجام میشود. چرا که سیاست اعتباری رژیم شاه، در جهت تحکیم وابستگی و تخریب بنیادهای تولید ملی بود. به جرئت میتوان گفت که در تمامی ۶۰ - ۵۰ هزار روستای ایران کمتر دهقانی را میتوان یافت که بابت تکه زمینش به یکی از موسسات دولتی بدهکار نباشد. اقتصاد روستایی ما بوسیله بدهی های بی شماری به زیر کنترل نهادهای سرمایه داری وابسته درآمده بود و این وابستگی کماکان ادامه دارد.

سیاست دولت در مسائل روستایی در اساس باید متوجه تا مین مناقع دهقانان بی زمین و کم زمین باشد. دهقانان بی زمین و کم زمین باید زمین داشته باشند، باید در تعاونیه های تولید متشکل شوند. دهقانان ایران باید از امکانات مالی و فنی برخوردار باشند تا بتوانند تولید را افزایش داده و حرکت را بسوی بحرکت درآوردن اقتصاد روستایی و تاءمین خودکفایی تسریع کنند.

تصویب نامه اخیر شورای انقلاب در جهت تاءمین بخششی از مناقع خرده مالکان است. این در حالیست که دهقانان بی زمین و کم زمین که در حدود ۷۰ درصد جمعیت روستایی ایران را تشکیل میدهند کمترین امکاناتی برای استفاده از امکانات دولتی ما ننند و ماندارند. در نتیجه سیاست دولت در مورد روستاها نیاز به دگرگونی اساسی دارد. تاکنون نیز سیاست دولت را جریانات روزشعینی اگر سیاست نهی زهای دراز مدت ناشی از ضرورت تحول پذیری روستاهای کشور، دولت بی رویه و بی برنامه وام و کسود داده و اقدام به راهسازی و غیره کرده. بسیاری از موارد این اقدامات مثبت بوده اما در جهت دگرگونی ساختار روستا و تغییر بافت و ترکیب آن بشفیع ستم دیده ترین اقشار روستایی یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین نبوده است.

اعطای وام بخودی خود راه گشا نیست. دولت باید عرضه کافی بذر، کود، ماشین آلات را تاءمین نموده و از گران شدن قیمت این کالاها جلوگیری کند زیرا اگر دولت پول بدست کشاورزان بدهد مالوازم مورد نیازشان به اندازه کافی در بازار نباشد، نه تنها هنگامی میان عرضه و تقاضا سبب کاهش قدرت خرید دهقانان شده و با زاین زمینداران بزرگ و واسطه ها و محتکرین

بنا سبت سال جدید ۱۹۸۰ حزب دموکریست مری پی پی اس را  
 را خطاب به خلق مالزی انتشار داده است. که ما بخشهایی از آن را  
 در زیر میا ووریم.

در شادباش سال نو ۱۹۸۰،  
 کمیته مرکزی حزب ورفیق چین  
 پین، گرمترین درودها و بوالا  
 ترین شادباشها را برای تمام  
 اعضای حزب، همه فرماندهان و  
 رزمندگان ارتش آزادیبخش  
 ملی مالزی، همه اعضای  
 و سازمانهای مختلف انقلابی  
 توده‌ای، رفقای انقلابی و همه  
 میهنپرستان که سخت ترین  
 شرایط زندانهای دشمن را  
 تحمل میکنند و با لایحه همسه  
 خلق انقلابی تمامی ملیتها  
 میفرستد.  
 در سال گذشته ارتش  
 آزادیبخش و خلق ما با روحیه  
 قهرمانانه انقلابی مبارزه  
 کرده و نتایج درخشانی بدست  
 آورده اند و بدین ترتیب  
 مناطق پایتختی ما را گسترش  
 و تحکیم کرده است.  
 مبارزه مسلحانه انقلابی

و جنبش انقلابی توده‌ای  
 بدون توقف ادامه دارد.  
 تجا و زوتوسه طلبی اخیر  
 هژمونیت های روسی و بیثباتی  
 تهدیدهای جدی را برای امنیت  
 ما بوجود آورده اند. چیزی که  
 مراقبت بیشتری را از جانب  
 خلق ما می طلبد و باید برای  
 این تجا و زوتوسه کشور خود هر چه  
 بیشتر آماده شویم.  
 با فرارسیدن سال جدید  
 مبارزاتی و تحت رهبری کمیته  
 مرکزی و در راس آن رفیق چین  
 پین میبایستی مبارزه مسلحانه  
 را فعالانه گسترش دهیم. جنبش  
 توده‌ای را بی محابا وسعت  
 دهیم و کلیه نیروهای را که  
 میتوان در بدست آوردن  
 پیروزیهای مختلف در مبارزه  
 بخاطر دفاع از منافع عاجل و  
 پاسداری از امنیت کشور آزادی  
 ملی متحد کرد، متحد سازیم.

فلسطینی این اردوگاه از ۱۲  
 ساله تا ۵ ساله را در ساعات  
 آخر شب مجبور کردند از خانه  
 های خود بیرون آمده و آنها را  
 در مدرسه اردوگاه گرداوردن  
 حاکمیت که سربازان صهیونیست  
 در آخرین ساعات شب به  
 خانه های شهروندان شلیخون

خبرگزاری وفا - گزارشهای  
 از فلسطین اشغال شده حاکیست  
 مقامات اشغالگر صهیونیست  
 قانون منع رفت و آمد را  
 در اردوگاه لاهمصری واقع در  
 نزدیکی شهر رام الله برقرار  
 نمودند. نیروهای ارتش  
 صهیونیستها همه شهروندان

غزه شد. اسرائیل دو شهردار و  
 یک فرماندار مناطق اشغال  
 شده را بخاطر همدردی و پشتیبانی  
 از آرمانهای خلق فلسطین از  
 این مناطق بیرون رانده است.  
 از طرف دیگر بگین نخست وزیر  
 دولت صهیونیست و غیرقانونی  
 اسرائیل اعلام کرده است که  
 بهیچ وجه اجازه ورود این سه  
 شخصیت فلسطینی به شهرهای  
 خود را نخواهد داد.

البنه سادات رئیس  
 جمهور مصر، این خائن به  
 آرمان خلق عرب نیز اخیرا  
 به امپریالیسم آمریکا ندا  
 داده است که سرزمین مصر  
 میتواند با یگانه خوبی برای  
 هواپیماها، هلی کوپترها  
 و سایر ابزار جنگی آمریکا  
 باشد. ولی برای مقابله با  
 تهاجم ابرقدرت دیگری یعنی  
 امپریالیسم روس میخواهد به  
 امپریالیسم آمریکا تکیه  
 کند. این سیاست مغایر

منجمله خلق افغانستان در  
 مبارزه بر علیه صهیونیستها  
 خود را از این جریان جدا و منزوی  
 کرده اند.  
 نماینده این سازمان  
 در کنفرانس کشورهای اسلامی در  
 پاکستان حتی بجای دفاع  
 و پشتیبانی از خلق مبارز  
 افغانستان و محکوم کردن  
 تجا و زفاسیت های روسی باین  
 کشور، روسیه را دوست خلقهای  
 منطقه و ببرک کارمل این سگ  
 زنجیری و عروسک سوسیال  
 امپریالیسم روس را نماینده  
 خلق افغانستان بحساب آورده  
 است.

زده و دست به حملات بازرسی و  
 تفتیش تحریک آمیزی زدند  
 در همین اخبار آمده است که  
 سربازان صهیونیست پیش از  
 ۲۵ فلسطینی را با زداشت  
 کردند و با قنذاق تفنگ و  
 با توپ بجان مردم افتاده اند.

### رنجبر و خوانندگان

قهرمان ایرانی است می برند.  
 من خود طرفدار حزب  
 رنجبران ایران هستم. این باصطلاح  
 پیشگامان همیشه به مامکوبند که  
 چون شما از دولت دفاع می کنید،  
 راست هستید، سازگارید و غیره.  
 در صورتیکه من خود یقین دارم که  
 این باصطلاح پیشگامان که در حقیقت  
 بسگامانی بیش نیستند و از عقب  
 مانده ترین افراد می باشند چگونه  
 خود با استعمال سیگارهای آمریکایی  
 و اسرائیلی، لباسهای گرانتقدر  
 خارجی، لوازم آرایش خارجی،  
 ادولکن، عطر و غیره، خارجی راست  
 ترین و منحرفترین و بدبخت ترین  
 آدمها هستند.  
 طبقه کارگر ایران، خلقهای  
 قهرمان و وطنان با این گونه پیشگامان  
 سرسازش ندارند. آنان پیشگام در  
 آرایش، سیگار کشی، انحراف و غیره  
 هستند و آنان آبروی هر دختر و زن  
 آزاده را چه با چادر چه بی چادر  
 می برند.  
 درود به زنان و دختران  
 قهرمانی که نه تنها در جبهه نبرد با  
 ابرقدرتهای آمریکا و روسیه پیشگامند  
 بلکه در جبهه مبارزه با فرهنگ  
 استعماری آمریکایی و روسی نیز مبارزه  
 میکنند.  
 با درود های فراوان ماهرخ ف

سپاهای مسلح و زوری ایران را  
 ویتوا ندهما هنگی لازم را در کشا ورزی بوجود آورد. دولت با یک  
 در عین حال خرید محصولات کشا ورزان را با قیمت مناسب تضمین  
 نماید.  
 کمک به ایجاد و تسهیلات تولیدی در روستا و متشکل کردن  
 دهقانان بی زمین و کم زمین در شرکت های سهامی زراعی و ایجاد  
 شورا های محلی و منطقه‌ای، بهترین شکل تشکیلاتی و سازمانی  
 برای بکار گرفتن امکانات دولت بوسیله دهقانان و دیگر گونسی  
 اقتصاد روستائی بشفع اقتصاد ملی و زحمتکشان روستا خواهد بود.

## ۱۳۲٪ تورم در ترکیه

آنکارا - رویتر، وزارت بازرگانی ترکیه با انتشار آماری  
 از وضع اقتصادی این کشور، نرخ تورم ترکیه را در اسفند ماه  
 گذشته ۱۳۱/۹ درصد بمقیاس سالانه اعلام کرد. دولت ترکیه  
 ۲ ماه درانتشار نرخ تورم این کشور سکوت کرد و این باعث شد  
 تا مخالفین دولت ادعا کنند که دولت ترکیه از انتشار نرخ تورم  
 هراس دارد. بر طبق همین آمار، میزان بدهی های خارجی دولت  
 ترکیه به حدود ۱۸ میلیار دلار رسیده است. افزایش وحشتناک  
 تورم بیگاری و بدهی های خارجی بحران موجود در ترکیه را  
 عمیق تر نموده و کشور را بسوی پرتگاه میبرد، اوضاع عمومی  
 نا توانی حکومت ترکیه را در سامان دادن اوضاع اثبات نموده و  
 روشن است که هیچکدام از گره های اساسی جامعه ترکیه با  
 سیاستهای تکیه به امپریالیسم بازنخواهد شد. دولت ترکیه  
 در پایان سال ۱۹۸۱ مجبور است یک میلیار دلار از بدهی های  
 خود را بپردازد و بر این اساس رهج چاره ای نداد راجز اینکه  
 مجددا متوسل به وامهای خارجی شود.

### \* در حاشیه سفر

بقیه از صفحه ۱  
 بسیار گسترده است و مردم اروپا  
 خواهان کوتاهی دست دوا بر قدرت از  
 اروپا هستند و همچنین کشورهای  
 اروپایی که در بعضی زمینهها وابستگی  
 هایی به ابرقدرتها دارند نیز خواهان  
 تغییر مناسبات بین المللی و جایگزینی  
 اصولی بر مبنای استقلال کامل و حق  
 حاکمیت و روابط متقابل برابر هستند.  
 نیروهای مترقی اروپا که آقای بنی صدر  
 بآن اشاره نمودند، درست بخاطر  
 داشتن عنصر استقلال طلبی از سلطه

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**

کتهای خود را  
 بانک ملی ایران  
 به حساب بانکی زیر وارز نمائید: تهران - شعبه خیابان ابرانشهر  
 شماره حساب ۴۵۳۶۸

### چپ نماها در چه کاری پیشگام اند؟

روز چهارشنبه ۱۷/۲/۵۹ از  
 مدرسه که جهت دادن امتحان سه  
 ماهه سوم بیرون آمدم گرسنه بودم و  
 بنابراین تصمیم گرفتم که به مغازه  
 ساندویچ فروشی نزدیک مدرسه خودمان  
 (مهرآئین) بروم. در آنجا با چند  
 نفر از دختران هم مدرسه ام برخورد  
 کردم. آنانکه در مدرسه و کوجه و  
 بازار خود را پیشگام و طرفدار سازمان  
 چریکهای فدایی خلق میدانند با  
 سیگارهای وینستون در روی لب و با  
 آرایش صورت و انگشتان و غیره  
 چندان آبر با جیغ و داد و لوس  
 بازیهای شرم آور در آنجا جمع  
 بودند.  
 وقتی مرا دیدند به من هم  
 سیگار تعارف کردند. من جواب  
 دادم که شما که همیشه باصطلاح از  
 طبقه کارگر دم میزنید و به نا حق از  
 مارکسیسم لنینیسم طرفداری  
 می نمائید، آیا انقلابی بودن  
 مارکسیست - لنینیست بودن همین  
 است. آری من از دیدن اینگونه  
 دختران که خود را بصورت عروسکها  
 در می آورند و سیگار خارجی نشخوار  
 می کنند و به زنان و دختران قهرمانی  
 که چادر و روسری دارند توهین  
 می کنند و بانها عقب مانده میگویند  
 چگونه آبروی هر چه زن و دختر

باند کیانوری، هماننداریاب روسی اش، از همان ابتدای تشکیل یازدهمین کنفرانس کشورهای اسلامی پاراضی بوده و میگویند که باند "آمریکایی" خواندن شرکت کنندگان در کنفرانس، این حرکت مستقل کشورهای جهان سومی را لوث کند. اما بعلمت مواضع فاطم ضدامیرالیستی وضد دو ابرقدرت کنفرانس، و بویژه نقش فعال هیات نمایندگی ایران در آن، روس نامه "مردم" در طول مدت کنفرانس ناچار به "سکوت" گردید.

پس از اتمام کنفرانس، روس نامه به زبان آمده و از موضعی منفعل به مسئله برخورد کرده است. باینجه باند کیانوری درد اصلی خود را نتوانست پنهان سازد و از جو ضد دوا بر قدرتی کنفرانس نالیده و از نقش فعال وزیر امور خارجه ایران در محکوم ساختن تجاوز روسیه به افغانستان اظهار تاسف کرده است.

## باند کیانوری و کنفرانس کشورهای اسلامی

روسی نامه به آقای قطب زاده اعتراض میکند که عمل او در مورد بردن نمایندگان جنبشهای آزادی بخش افغانستان به داخل کنفرانس، برخلاف مقررات دیپلماتیک و روابط بین المللی است. یادمان نرفته که در جریاناتی مانند اشغال جاسوخانه آمریکا، امیرالیسم آمریکا، همین زیر پا گذاشتن مقررات بین المللی را به رخ میکشید و البته آن موقع مزدوران روسیه که اوضاع را مساعد برای ارباب خود میدیدند و میخواستند جایی برای خود در صفوف مبارزه ضدامیرالیسم آمریکا بازکنند می گفتند که اصلا این مقررات و ضوابط وضع شده از جانب

که کشورشان را اشغال کرده مبارزه نمایند. ثانیاً دشمنی آشکار خلیقهای جهان و از جمله ایران با ابرقدرت روسیه را بسطح یکتا "اختلاف" تنسیزل می دهد و برای آن درخواست برائت می کند.

"مجاهد" در آخر درخواست نامه خود می نویسد: "از سوی دیگر روسها را نافرمانان ایران می توانند در مسکو حوضه را از مقامات اتحاد شوروی خروج هر چه سریعتر سرپا زان شوروی را از خاک افغانستان خواستار شوند." گویا قوای نظامی روسیه در حال سریع بیرون رفتن از خاک افغانستان است و فقط لازم است با تقاضای ورزشکاران سریعتر بیرون بروند. روسیه بخاطر تحقق نقشه استراتژیک خود در رقابت برای آقایی جهان با آمریکا و برای رسیدن به اقیانوس هند و آبهای گرم خلیج فارس است که به افغانستان لشکر کشی کرده و بهیچ وجه حاضر نیست براضحتی نیروهای خود را از آنجا خارج سازد. روسیه فعلاً "سکوت کرده تا با استفاده از این سکوت کشورهای بیشتری را به المپیک مسکو بکشاند و با سرپوش گذاشتن بر روی جناياتش و نیز بر رسمیت

شنا ساندن رژیم مزدور کارمندان اینبار محکمتر و آماده تر از پیش به سرکوب و تجاوز مشغول شود. آیا صادر کننده یا صادر کنندگان اطلاعیه "مجاهد" این حقایق را امید دارند؟ ما می پرسیم اگر المپیک درواشنگتن یا تل آویو بود آیا این سخا ص تقاضا میکردند که ورزشکاران ما بیرون و مطلقاً از اشغالگران صهیونیست بخواهند که هر چه سریعتر از خاک اشغالی اعراب و فلسطین بیرون بروند؟ مبلما "مسئله مورد بحث" اطلاعیه "نه المپیک است و نه حساب سود و زیان آمریکا. اینست که گرایشی در سازمان مجاهدین که سعی میکرد خط مدارا با روسیه را پیش ببرد و این او را خبرا فشار مبارزات نیروهای سیاسی و طرفداران استقلال طلب مجاهدین عقاب نشینی موقتی کرده بود، اینک با استفاده از فرصت المپیک راست کرده و تحت پوشش المپیک، بدفاع از مواضع روسیه - دفاعی امیرالیستی میپردازد، دفاعی که وابستگی اصلی به این قدرت تجاوزگر قاردر به انجامش نبوده اند.

گفت در افغانستان فقط یک رژیم وابسته حکومت میکند، بلکه این کشور دیگر به مستعمره کامل روسیه بدل شده است. این امر آنقدر بدیهی است که حتی "ببرک کارمل" هم حاضر شده است برای اثبات چندی چون حق حاکمیت خود (به رسمیت شناخت دولتش) وارد مذاکره شود. می بینیم که مزدوران باند کیانوری از ببرک کاغذی هم خوشی رقیس ترند.

روسی نامه در آخر نتیجه می گیرد که کنفرانس در مجموع "آمریکایی" بوده است. چرا؟ چون علاوه بر آمریکا، روسیه تجاوزگر را هم محکوم کرده است. این امر بدی نیست چون بهر حال روسیه و مزدورانش هر آنچه را که در خدمت روسیه نباشد "آمریکایی" میخوانند. نباید مرعوب اتهامات هیچکدام از دو ابرقدرت و مزدورانش شد.

## خطوط اساسی

شخصیتهای مملکتی ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۷ خرداد ماه افتتاح گردید. آیت الله مهدوی کنکی سرپرست وزارت کشور در نطق افتتاحیه مجلس اعلام نمود که، جمعا ۲۳۳ نفر در ۲ دوره انتخابات مجلس برگزیده شده اند و تاکنون اعتبار نامه برای ۲۱۳ نفر از آنها صادر گردیده و اعتبار نامه ۱۳ نفر از نمایندگان به علی صادر نشده است. وی افزود که تا تعیین آئین نامه مجلس، تعیین نامه ای از طرف شورای انقلاب برای این مدت چند روز تعیین شده است. سپس پیام ما م خمینی رهبر انقلاب توسط حجت الاسلام سید احمد خمینی قرائت شد و جلسه با سخنرانی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور، بکار خود ادا م داد.

در جلسه افتتاحیه آقایان یدالله سحابی بعنوان رئیس سنی و مهندس مهدی بازرگان بعنوان معاون ریاست سنی تا انتخاب رئیس دائمی از طرف شورای انقلاب به جلسه معرفی گردیدند. جلسه با اجرای مراسم سوگند و تعیین صورت جلسه بعدی (امروز) توسط آقای سحابی در ساعت ۱۱/۳۰ صبح بکار خود پایان داد.

## مصاحبه با آقای حسین دلالباشی (۲) چماق انحصار طلبی علیه مسلمانان مبارز و متعهد

قسمت دوم مصاحبه خبرنگار "رنجبر" در اصفهان با آقای حسین دلالباشی را در این شماره به چاپ می رسانیم. آقای حسین دلالباشی از مسلمانان مبارز و متعهد اصفهان و از فعالین دفتر هماهنگی همکاریهای مردم با رئیس جمهور در اصفهان است. در قسمت قبلی مصاحبه اشتباهها او را مسئول دفتر هماهنگی در اصفهان معرفی نمودیم که بدینوسیله تصحیح میشود.

داشت و قد بلند و چهارشانه ای داشت از من پرسید شما محمود هستید، گفتم امری دارید بفرمائید. دو مرتبه گفت شما محمود هستید جواب دادم و بعد چند بار تکرار شد در یک لحظه من فکر کردم که اینها یک حالت تهاجم دارند و برادرم هم دم خیابان ایستاده بود.

آن حس برادری و آن عرقی که در ما مسلمانان و ایرانیان هست که اگر خودمان هم فدا بشویم نمی خواهیم برادرمان را از دست بدهیم گفتم طوری شده بفرمائید و اونها بلا فاصله دو بقیه در صفحه ۳

س: خیلی ممنون از توضیحاتی که دادید حالا اگر ممکن است مقداری راجع به واقعه ای که اخیرا اتفاق افتاده توضیح بدهید؟

ج: شب ۵۹/۲/۲۵ حدود ساعت ۸/۵ شب من به گالری گل که متعلق به برادرم محمود دلالباشی بود رفتم. یکی از دوستانمان به نام آقای ایران زاد هم آنجا بود، برادرم بیرون رفت و بعد در یک لحظه دونفر آمدند تو من فکر کردم مشتری هستند بعد یکی از این آقایون که موهای کوتاهی

## رنجبر به یک دستگاه تلکس احتیاج دارد

حزب رنجبران ایران برای بخش خبرگزاری نشریه "رنجبر" احتیاج فوری به یک دستگاه تلکس دارد. از کما نیکه میتواننند چنین دستگاهی را به "رنجبر" واگذار کنند و یا با یسند آنرا

خارجی بدون استفا ده مانده است و برای یک کشوری که میخواهد مستقلا بشود چیزی بدتر از این متصور نیست. ما میتوانیم راه حلهای مناسب بیا بیا بپیمویم و اگر بگذاریم فقط آنچه که لازم است، محیط تفاهم محیط سازنده و کوشش عمومی میباید آن محیط را فراهم بیاوریم. امکانات داخلی و خارجی ما این مکان را میدهد که مشکلات را حل کنیم و اقتصاد کشور را در خدمت محرمان جامعه و استقلال کامل کشور هدایت کنیم.

در کردستان و آذربایجان خواندن نیروهای "جپ" که با شعار سرنگونی به جنگ دامن میزنند.

در ابتدا چنین مینماید که رهبری سازمان چریکها به مواضع جپ نمایانه گذشته خود برخورد کرده و به

"برزنف - سولف" در جهت نزدیکی هر چه بیشتر به شوروی امیرالیستی حرکت کرده و ازین پس ناظر سرفه های بیشتر این دارودسته به روسیه و درخواست شناسایی از سوی احزاب و رژیم های برادر و اخیانان گفتم.

# رهبری سازمان چریکها متحد رسمی سوسیال امپریالیسم

است. لیکن ابداعین نیست. رهبری سازمان چریکها از در عقب و با در غلتیدن بیشتر به دنباله‌روی از سوسیال امپریالیسم است که فرصت طلبانه چنین مواضعی را گرفته است:

الف- اگر رهبری سازمان چریکها به ماهیت ضد امپریالیستی رژیم کنونی اعتراف میکنند، نه به خاطر موضع نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی و درک عمیق مبارزه استقلال طلبانه مردم ماست، و نه از روی تحلیل طبقاتی و تفکیک خلق وضد خلق. علت موضع رهبری سازمان چریکها همانطور که خود میگوید این است که: "حزب و سازمانهای مترقی خواه جهان وارد نگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم ما" حمایت میکنند (کار ۵۹) یعنی منافع روسها فعلا چنین اقتضا میکند.

ب- جبهه متحد ضد آمریکایی رهبری سازمان چریکها، در واقع همان "جبهه متحد" پیشنهادی باند کیانوری است. یعنی تشکیل جبهه‌های از وابستگان و مدارا جوینان با اثر قدرت روسیه که به خاطر منافع روسیه با ابر قدرت آمریکا می‌جنگند. بدین خاطر است که باند کیانوری با خوشحالی از "تغییر مثبت و امید بخش" سازمان فدائیان استقبال می‌کند ("مردم ۲۴۳").

ج- رهبری سازمان چریکها، صلح در کردستان را نه به خاطر استقلال ایران و منافع خلق کرد، بلکه از دیدگاه منافع جناح روسی درون حزب دمکرات جستجو میکند. خط کمی فدائیان بانبروهای "جیب نما" در واقع به خاطر تبدیل کردستان به پایگاه بی مزاحم سوسیال امپریالیسم است و نه اجتناب از جنگ افروزی.

اما نتایج موضعگیری جدید رهبری سازمان چریکها کدامست؟ روشن است که:

۱- در زمینه بین المللی، رهبری سازمان چریکها با استقبال از مشی جنگ طلبانه و تجاوزگرانه

۲- در سیاست داخلی، روش های رهبری سازمان چریکها، کاملا به باند کیانوری (یعنی تأکید از رو و نوطئه از زیر برای بدست آوردن قدرت) نزدیک خواهد شد. لیکن به علت رقابتی که بر سر انحصار نوکری روسیه بین این دو داور دسته وجود دارد (مانند رقابت "خلیج" و "برجم" در افغانستان)، وحدت بین آنها در حال حاضر عملی نخواهد شد. بهر حال رهبری سازمان چریکها بطور اجتناب ناپذیری به شرکت عملی در "جبهه متحد" ضد خلق باند کیانوری کشیده خواهد شد.

۳- در کردستان، نیروهای سازمان چریکها با حزب دمکرات جبهه واحدی تشکیل داده و در برابر جیب نماهای غیر وابسته (کومله پیشمرگه‌های زحمتکشان و... و سایر جیب نماها به طور علنی جبهه گیری خواهند کرد. جبهه متحد فدایی - دمکرات در کردستان با اتخاذ سیاست "هم جنگ وهم صلح" از هر فرصتی و هر شیوه‌ای برای تبدیل کردستان به پایگاه سوسیال امپریالیسم، استفاده خواهند کرد.

۴- تضادهای درون سازمان چریکها، هم اکنون به اوج رسیده است احتمالاً جناح روسی گناگتیت را به دست آورده است، اقلیت "جیب" رهبری را تصفیه خواهند کرد. در هواداران سازمان نیز هم اکنون بحران به سطح علنی رسیده است. پس از جاب جاب مقاله کار ۵۹، بخشی از دانش‌موزان پیشگام در روبروی دانشگاه تهران علیه جناح راست رهبری سازمان دست به تظاهرات زدند. در میان دانشجویان پیشگام نیز بحث بالا گرفته است. اتخاذ سیاست "راست" جدید باعث میشود که بروسه پیوستن بخشی از اعضای سازمان به حزب توده تسریع شود. واز آنجا که مصلحت در برابر روبروینیم در این

سازمان بسیار باثبات است، از سمت "جیب" نیز گروهی جذب "راه کارگر" وائتالهم خواهند شد. طرفداران

اما خمینی در پیام خود افتتاح اولین جلسه مجلس را به عموم مردم بیاورید و نما یندگان اولین مجلس تبریک گفته و پس از افساء خیانتها و جنایات رژیم شاه مخلوع، خطاب به نمایندگان مجلس به نکات مهمی اشاره کردند که، فشرده‌ای از آنرا می آوریم:

۱- رژیم شاه مخلوع برای ادا ماه سلطه جبارانه خود شروت سرشار رکشور را به جیب ابرقدرتها ریخت و ملت مظلوم را بجا ک سیه نشاند و کشور را در تمام زمینه‌ها وابسته به اجانب خصوصا آمریکا کرد. ببینید شما دولت منتخب شما با ملت مستضعف که به برکت انقلابش همه ما را از نژاد خارج نمود چه خواهد کرد؟

۲- میدان آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد در راه سربازها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود.

۳- شما منتخبین مجلس که از پشتیبانی جدی ملت عظیم برخوردارید باید با کمالات قدرت در مقابل قدرتهای شیطانیه که در رژیم دست نشانده سابق، حاکم بر سرنوشت ما بودند بایستید.

۴- لازم است طرح‌هایی که در مجلس می گذرد مخالف با احکام مقدسه اسلام نباشد.

۵- لازم است در مذاکرات و برخورد آراء بطور آرا موبسا احترام متقابل عمل شود. نه مثل دوره‌های رضا خان و بعد از آن. لازم است که از جبهه بنی ها وجهت گیریهای غیر اصولی برای کوبیدن طرف مقابل جدا "اجتناب شود.

۶- ویژگی مجلس ایجاب میکند که مجلس ودولت هما هنگ شوند تا بر مشکلات کشور فائق آیند و هیچ یک از نهاد های جمهوری اسلامی خصوصا "مجلس و رئیس جمهوری ودولت برای یکدیگر

۹- قوانین دست و پا گیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق تصویب شده و جا معه را به تنگ آورده است بطور انقلابی لغو کنید، گرچه خود لغوانند، و بجای آنها قوانین مترقی را جایگزین نمائید.

۱۰- مجلس جمهوری اسلامی همانگونه که در خدمت مسلمین است باید برای رفاه و آسایش اقلیت های مذهبی که با مسلمانان در صف واحد فعالیت میکنند، بکوشد.

۱۱- از حضرات فقهای نگهبان تقاضا میشود که در آمواریت مهم خود به هیچ وجه ملاحظه اشخاص ویا گروهها یا نحرفی را ننموده و به نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن بپردازند.

### سخنان رئیس جمهور در جلسه افتتاحیه مجلس:

ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری سخنان خود به مشکلات اجتماعی و سیاسی کشور از ابتدای پیروزی انقلاب پرداخته و با اشاره به مسئله کردستان و استقرار حاکمیت دولت افزود که این حاکمیت دولت باید برای تامین حقوق همه مردم در برتوقانون اساسی شکل بگیرد.

### باید تبعیضهای اقتصادی واجتماعی از بین بروند.

بنی صدر خطاب به نمایندگان مجلس گفت: "این مجلس محترم آن قوانینی را که هنوز به تصویب نرسیده و باید بتصویب برسد در راه بهبود زندگی قشرهای محروم جامعه به تصویب برساند تا مقدمات از بین رفتن تبعیضهای اقتصادی واجتماعی بطور قطع فراهم آید تا هر کس در جمهوری فراخور استعداد و کاروتلاش خود انطور که در

قانون اساسی آمده است از مواهب موجود در این جامعه به بهترین وجهی برخوردار بشوند. بنی صدر ضمن اشاره به مشکلات اقتصادی کشور و وابستگی های اقتصادی آن افزود که: "همان طوریکه در پیام ما آمده است و وابستگی های اقتصادی کشور را بسیار رند. موجودی ما در بانکها ی

۹- قوانین دست و پا گیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق تصویب شده و جا معه را به تنگ آورده است بطور انقلابی لغو کنید، گرچه خود لغوانند، و بجای آنها قوانین مترقی را جایگزین نمائید.

۱۰- مجلس جمهوری اسلامی همانگونه که در خدمت مسلمین است باید برای رفاه و آسایش اقلیت های مذهبی که با مسلمانان در صف واحد فعالیت میکنند، بکوشد.

### بنی صدر در همین زمینه افزود:

که میان مشی استقلال اقتصادی و ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه تعارضی موجود نیست. اما، ما بر این باور هستیم که میتوان و ضرورتا "حکم بر این است که رساندن محرومان به حقوق خود در گروهین استقلال اقتصادی کشور است... مشی اقتصادی در جمهوری اسلامی مشی نه شرقی نه غربی و متناسب با آزادی انسانی به معنی اسلامی و درست کلمه میباشد".

### در مورد سیاست خارجی:

رئیس جمهور در مورد سیاست خارجی گفت که:

سیاست خارجی ما باید تابعی از سیاست داخلی کشور ما باشد و طبیعی است که در همه جبهه ها با قدرتها و ابر قدرتها مقابله نمائیم.

بنی صدر در ادامه سخنانش به آزادیهای دمکراتیک و ادامه دادن به محیط بحث آزاد اشاره کرده و گفت: "ما در زمینه مسائل سیاسی داخلی بحث وقاطعیت را پایپای هم به پیش می بریم."

سپس رئیس جمهور خطاب به نمایندگان مجلس در مورد ایجاد محیط تفاهم و وحدت گفت: "ما می توانیم بر اساس ضرورت سرعت در تحول، ضرورت آزادی انسان و ضرورت رشد و کمال، در میان خودتفا هم بوجود بیاوریم." ویا افزود که "باید دامنه آزادیها را توسعه داد و در تولید سرعت ایجاد نمود."